

به نام همتی بخش

سند، نمر دوره ابتدایی

الگوی آموزشی دبستان های مفید



نسخه پاییز ۱۳۹۸

کیومرث سلطانی ابهری

با تشکر از همکاری هیات علمی دبستان های مفید



مقدمه	۴
چگونگی کاربرد سند	۵
واژگان کلیدی	۶
باورها و معیارها	۶
الف (باورها در مورد هنر کودک	۶
الف ۱) کودک به فعالیت هنری نیازمند است.	۶
الف ۲) اثر هنری هر کودک منحصر به فرد است و با آثار سایر کودکان تفاوت دارد	۷
الف ۳) آثار هنری کودکان در مراحل متفاوت رشدی شباهت هایی با هم دارند.	۸
الف ۴) فعالیت هنری برای کودک یک کار جدی است	۸
الف ۵) کار هنری کودک یک فعالیت تخصصی و حرفه ای نیست	۸
الف ۶) هنر کودک اثری است که او با احساس و عواطف، تفکر و خیال، ذوق و سلیقه ی خود آن را تولید می کند	۸
ب (باورهای آموزشی	۹
ب ۱) معیارهای آموزشی از تعریف هنر کودک استخراج می شود.	۹
ب ۲) بین موضوعات مشخص آموزشی و موضوعات آزاد باید تعادل برقرار کرد.	۱۱
ب ۳) کودکان به توانمند شدن در شیوه های کار هنری نیاز دارند	۱۲
ب ۴) هنر کودک از طریق آموزش صحیح قابل رشد و ارتقاء است	۱۴
ب ۵) هدف از آموزش هنر تربیت هنری است نه تربیت هنرمند.	۱۵
ب ۶) آموزش مناسب هنر فرصتی است که کودک تجارب زیبا شناختی خود را افزایش می دهد	۱۶
ب ۷) آموزش باید فرصت هایی را برای تجربه ی کودک در انواع قالب های هنری فراهم آورد.	۱۶
ب ۸) فضا و محیط آموزشی الهام بخش بوده و در رشد زیبایی شناسی کودک موثر است	۱۷
ب ۹) هنر به عنوان یک امر کلی در آموزش و پرورش محسوب می شود.	۱۷
ج (باور در مورد مربیان آموزشی	۱۸
ج ۱) نقش مربی	۱۸
ج ۲) مربی هنر یک یادگیرنده دایمی است.	۲۰
د (باور در مورد سند آموزش هنر	۲۰

۲۰ د ۱) این سند پویا است.
۲۰ یافته های جدید در آموزش هنر
۲۰ تاثیر هنر بر رشد همه جانبه ی کودکان
۲۲ چرخه ی رشد تجارب هنری:
۲۳ اهداف
۲۳ الف) اهداف کلی
۲۳ ب) اهداف میانی
۲۴ جدول مقایسه ی اهداف درس هنر در اسناد مختلف
۲۵ راهنمایی برای طراحی فعالیت های هنری در مدل آموزشی مفید
۲۵ فرم طراحی فعالیت هنری
۲۸ راهنمایی برای ارزشیابی فعالیت های هنری در مدل آموزشی مفید
۲۸ الف) ارزشیابی
۲۸ الف ۱) شیوه ی ارزشیابی
۲۹ ب) شیوه ی اطلاع رسانی به اولیا
۲۹ موضوع سند در خارج از کلاس هنر
۳۰ مهارت های فرا موضوعی مرتبط با موضوع
۳۰ مثال از طرح فعالیت های هنری
۳۱ پیوست ها

مقدمه

این جزوه با عنوان سند هنر برای مدارس ابتدایی مجتمع آموزشی مفید شامل خلاصه ی سند هنر است که به سفارش مجتمع آموزشی مفید و برای مدارس ابتدایی نگارش شده است. هدف از تهیه ی این سند ارایه ی فعالیت های هنری از پیش تعیین شده نیست. بلکه این سند در تلاش است تا مربیان را با ویژگی های یک طرح درس هنری آشنا کند و آن ها را قادر سازد بتوانند با توجه به شرایط متفاوت کلاسی، فعالیت های هنری متناسب بنویسند و یا از میان فعالیت های نوشته شده مناسب ترین ها را انتخاب کنند همچنین قادر باشند آن را در کلاس به خوبی اجرا کنند. در این سند معیارهایی ارایه شده است که با استفاده از آن مربیان می توانند میزان صحت و ارزشمندی فعالیت های هنری تولید شده و اجرا شده را ارزیابی کنند.

مربیان و طراحان برنامه ی آموزش هنر در دبستان های مفید باید خیلی خوب بخش باورها و معیارهای آموزشی را مطالعه کرده باشند. زیرا نگاهی را در برنامه ریزان ایجاد می کند که صحت و ارزشمندی طراحی و اجرای فعالیت های هنری را برای کلاس های هنری تضمین می کند.

کودکان خروجی متفاوتی در کلاس خواهند داشت و از انجام فعالیت های کلاس لذت خواهند برد. فهم باورها کمک می کند تا آثار تولیدی کودکان به هر صورت که باشد از سوی مربیان مورد توجه قرار بگیرد. برای تولید فعالیت های هنری فهم و رعایت معیارهای آموزشی آمده در همین بخش بسیار مهم هستند. اگر معیارها هر کدام رعایت نشوند فعالیت هنری ارزش آموزشی خود را از دست خواهند داد. اما برای تضمین رعایت معیارهای تولید فعالیت های هنری، فهم باور ها پایه ای تر هستند. برخی معیارها مربوط هستند به تعریف هنر کودک. یعنی وجود یا عدم آن ها تعیین کننده ی ماهیت هنری فعالیت است. برخی معیارها مربوط به آموزش هنر هستند. یعنی رعایت یا عدم رعایت آن ها در فعالیت هنری، ارزشمند بودن آموزش را تعیین می کند.

چگونگی کاربرد سند

برای آشنایی با روش طراحی فعالیت هنری و در قالب فرم طراحی فعالیت که در پیوست ۱ آمده است، به بخش [راهنمایی برای طراحی و ارزشیابی فعالیت های هنری در مدل آموزشی مفید](#) رجوع شود. در این بخش شیوه ی طراحی فعالیت نیز تبیین شده است. برای طراحی فعالیت باید معیارهای طراحی فعالیت که به رنگ قرمز در [نخستین قسمت از باورهای آموزشی](#) (معیارهای آموزشی از تعریف هنر کودک استخراج می شود) بخش باورها و معیارها آمده رعایت شوند. برای کنترل کیفیت طراحی فعالیت می توانید به فرم پایش طراحی فعالیت که در پیوست ۷ آمده است مراجعه کنید.

برای دست یابی به اهداف فعالیت های هنری رجوع شود به بخش اهداف خصوصا [اهداف میانی](#) که به رنگ قرمز نوشته شده اند. اهداف میانی اهدافی هستند که به تناسب در فعالیت های هنری و برای طراحی فعالیت انتخاب می شوند.

برای اجرای فعالیت در کلاس های هنری لازم است به [اصول اجرای فعالیت های آموزشی برای هنر](#) که زیر مجموعه ی نقش مربی در بخش باورها در مورد مربیان آموزشی آمده مراجعه شود. برای پایش صحت اجرای فعالیت هنری توسط مربی می توان به فرم پایش فعالیت های اجرا شده در پیوست ۸ مراجعه کرد.

برای نگارش کارنما و جهت اطلاع رسانی وضعیت آموزشی دانش آموزان به خانواده به قسمت [شیوه ی اطلاع رسانی به اولیا](#) مراجعه شود.

برای دست یابی به فهرست شیوه ها و تکنیک های هنری به پیوست های ۶ شامل فایل های جداگانه ای در قالب فایل های Excel که برای فعالیت های نمایشی، نقاشی، حجم سازی است مراجعه شود. این پیوست ها هم چنان باز خواهند ماند و مربیان و هنرمندان برای تکمیل بیشتر آن همکاری خواهند کرد.

کودکی: منظور از کودکی تا پایان سن ۱۲ سالگی یا انتهای پایه ی ششم دبستان است.

ادراکات: قوایی است که باعث شناخت کودک از محیط می شوند و شامل افکار، احساسات، عواطف، تخیلات، باورها، عقاید، آرمان ها و آرزوها هستند.

تخیل: فرآیندی است که در طی آن ذهن، جهانی متفاوت از جهان واقعی می سازد و متصور می شود. اگر چه ممکن است مجرای تخیل، حواس انسان باشد اما قوه ی تخیل توان ایجاد تصاویر، ایده ها و احساسات در ذهن است بدون دخالت حواس. اگر چه به نظر این سند می تواند جزئی از مجموعه ی ادراکات کودک باشد اما به دلیل اهمیتی که دارد در این سند جدای از ادراکات، از آن ذکر می شود.

هنر کودکان: تعریف هنر کودکان با هنر بزرگسالان متفاوت است. هنر کودک را می توان بازتاب جهان پیرامون دانست که کودک به قوه ی احساسات و عواطف و باورها و افکار خود آن ها را درک کرده، تفسیر می کند و همراه ذوق و سلیقه ی حسی خود به شکلی از اشکال هنری ارائه می کند. هنر، بروز شخصیت از سوی کودک است.

نقد هنری: نقد هنری یک فعالیت شناختی برای قضاوت بدی و خوبی، زشتی و زیبایی یا تشخیص کیفیت اثر هنری نیست. یعنی مخاطب در نقد هنری با این گونه سوالات مواجه نمی شود که کجای این اثر زشت یا زیبا است. قوی یا ضعیف است. نقد هنری در این سند ساخت مفهوم از یک اثر هنری است. از این جهت نقد هنری نیز یک فعالیت تولید معنا و مشارکت در آن است. مخاطب در برابر یک اثر هنری در موضع نقد، این گونه سوال می کند که چه چیزی از این اثر می فهمم. پس از دیدن این اثر چه نگاهی در من ایجاد می شود. دوست دارم چه کارهایی را پس از دیدن این اثر انجام دهم (چه تاثیری ممکن است در زندگی من بگذارد). اگر به جای هنرمند بودم در اثر هنری فوق چگونه عمل نمی کردم یا چگونه عمل می کردم. چه تغییراتی را می توان در اثر ایجاد کرد و ...

باورها و معیار ها

الف) باورها در مورد هنر کودک

الف ۱) کودک به فعالیت هنری نیازمند است.

- هنر وسیله ای برای ارتباط

کودک از طریق هنر می تواند پیام خود را برای سایرین بیان کند. آن جا که کلام کار نمی کند یا کودک توان کاربرد آن ها را هنوز نمی داند یا به آن تسلط ندارد، هنر ابزاری مناسب است که کودک به وسیله ی آن حرف های خود را برای دیگران بیان کند. ادبیات

در برخی منابع از شاخه های هنر محسوب می شود و همان طور که جی ام کوتسیا^۱ در جایی نوشته است "راه سومی میان حرف زدن و سکوت وجود دارد و آن ادبیات است"^۲، هنر ابزار مناسبی است که کودک از طریق آن نظر سایرین را به سوی خود جلب کند و دیگران را از وجود خود آگاه سازد.

- هنر وسیله ی مناسب برای رشد و کمال

هنر رفتار و بینش کودک را شکل می دهد. نگاه کودک با کارهنری در طول زمان تغییر می کند، رشد می یابد و باعث می شود زیبایی های عالم هستی را متفاوت از دیگران ببیند. هنر سبک زندگی است. معمولاً شکل رفتاری، لباس پوشیدن، حرف زدن، گردش رفتن و تفریح کردن یک فرد با تجارب هنری تفاوت زیادی با یک فرد غیر از این دارد. لذتی که این فرد از زندگی می برد بسیار متفاوت از سایر افراد است. هنرمندان نگاه متفاوتی به دنیا دارند. کودک از طریق هنر به تفکر و بینش خود شکل می دهد و این امکان را می یابد که از طریق فعالیت هنری نگرش ها و مهارت های لازم برای زندگی را کسب کند.

- هنر وسیله ای برای بازی لذت بخش

کودک از فعالیت هنری لذت می برد. آن چه برای کودک در اجرای یک کار هنری مهم است فضایی است که اجازه می یابد در واقعیت ها دخل و تصرف کرده، احساسات و تمایلات خود را ابراز کند و تصویر زندگی را ارایه دهد که می فهمد یا آن را آرزو می کند. در نتیجه همراه انجام فعالیت هنری، لذتی بی بدیل را تجربه می کند. کودک بین بازی و کار هنری تفکیک قایل نمی شود و برای فعالیت های هنری و بازی به یک اندازه مشتاق است.

- هنر وسیله ای برای بیان خود

کودک در اثری که بصورت آزاد تولید می کند، خواسته ها و نیازهای، عقاید و افکار، آمال و آرزوهای خود را بیان می کند. نشانه های تولیدی او در هنر در هر قالبی که باشد، نشان دهنده ی نگاه او به جهان، شخصیت در حال شکل گیری درون او و اندیشه و تفسیر او از پدیده های بیرونی و درونی است. هنر این قدرت را دارد تا ناخودآگاه کودک را نیز بیان کند.

دخالت های بیرونی مانند ارایه ی دستورالعمل هایی که کودک آن ها را بدون آن که بفهمد، اجرا می کند، می تواند موانعی برای بروز افکار، عواطف و احساسات او باشند. در مقابل رفتار صحیح و منصفانه با کودک در مواجهه با اثر هنری او و ارایه ی آموزش صحیح، می تواند به بروز بهتر دنیای درون کودک کمک کرده و رفتار او را به رفتار آگاهانه نزدیک کند.

الف ۲) اثر هنری هر کودک منحصر به فرد است و با آثار سایر کودکان تفاوت دارد

افکار، احساسات، عواطف، تمایلات و نگاه هر کودک از آن جا که به تجارب زیستی او در گذشته و حال وابسته است با سایر کودکان متفاوت است. اثری که کودک در نتیجه آن تولید می کند، اثری است بدیع که با آثار سایر همسالان تفاوت دارد. این تفاوت به گونه ای است که هر اثر هنری را می توان به مثابه اثر انگشت کودک بر شمرد و آن را بی همتا دانست.

1 John Maxwell "J. M." Coetzee

^۲ در تمام نوشته هایی که جست و جو شد تنها به این اشاره شده که او این متن را در جایی نوشته است.

الف ۳) آثار هنری کودکان در مراحل متفاوت رشدی شباهت هایی با هم دارند.

آثار کودکان از آن جا که ویژگی سنی کودکان را نمایش می دهد با سایر آثار همسالان شباهت هایی دارند. کودکان در هر سنی شناخت نسبتاً مشترکی از پدیده ها دارند. به نظر می رسد کودکان پیچیدگی ها و روابط را آن طور که واقعیت دارند درک نمی کنند بلکه آن طور که خودشان دریافت می کنند و می فهمند، در آثارشان نشان می دهند.

الف ۴) فعالیت هنری برای کودک یک کار جدی است

کودک برای ارضای حس کنجکاوی و ابراز شایستگی هایش برای خود و سایرین، به انجام فعالیت هنری روی می آورد و از این طریق می خواهد با افراد پیرامون خود ارتباط جدی برقرار کند. کودک با تمرکز به کار هنری می پردازد و از این که مورد انتقاد و یا بازخورد ناصحیح و ناعادلانه (افراط و تفریط) قرار بگیرد، تا آن حد متأثر می شود که ممکن است از ادامه ی فعالیت منصرف شده یا علاقه ی خود را به انجام کار هنری از دست بدهد.

الف ۵) کار هنری کودک یک فعالیت تخصصی و حرفه ای نیست

کودکان به رشد و شکل گیری ویژگی ها و قابلیت هایی در خود نیاز دارند که برای زندگی اجتماعی آتی خود لازم دارند. کسب مهارت های تخصصی و شغلی مربوط می شود به زمانی که استعداد های آن ها از قوه به فعل درآمده و استعدادهای خاص بروز و ظهور می نمایند. ظرفیت جسمانی، ذهنی و عاطفی کودک محدود است. رشد این ظرفیت ها، به رشد سنی او بستگی دارد. از این جهت کودک نمی تواند به شکل حرفه ای به کار هنری مشغول شود. کودک را نمی شود در دست ورزی به تمرین و ممارست وادار ساخت تا شیوه ای را به شکل تخصصی آن بیاموزد. شبیه سازی در طراحی و خطاطی (قلم درشت) دو نمونه از این دست هستند که به تمرین زیاد در دست ورزی نیاز دارند. از این جهت معمولاً کودک به این تخصص ها احساس نیاز (واقعی) هم نمی کند.

الف ۶) هنر کودک اثری است که او با احساس و عواطف، تفکر و خیال، ذوق و سلیقه ی خود آن را تولید می کند
وقتی کودک دست به کار هنری می زند ذوق و سلیقه ، عواطف و احساسات، تخیل و تفکر خود را برای انجام آن کار درگیر می کند. او حتی اگر نداند که به کجا خواهد رسید، می داند که چه کار می کند. کودک در کار خود جدی است. این آگاهی، اراده و اختیار سبب می شود تا کودک با میل خود (داوطلبانه) فعالیت کند.

سه معیار زیر را برای تشخیص هنر کودک می توان معرفی کرد:

۱. اثری که در یکی از اشکال هنری تولید شود:

اثری که در یکی از شکل ها، قالب ها و شیوه های هنری^۳ و متناسب با سن کودکان تولید شود. قالب ها و شکل های متفاوت و متنوع کار هنری که به کودک پیشنهاد می شود و کودک برای بیان خود و بروز خلاقیت های هنری، آن را انتخاب می کند. از طریق این فعالیت ها کودک نیازهای عاطفی خود را پاسخ می دهد و ذوق هنری خود را بروز می دهد. بعداً درباره ی قالب ها و شیوه های هنری بیشتر صحبت خواهد شد.

۲. اثر ، تولیدی بر اساس ادراکات خود کودک باشد (بر اساس فهم، عواطف و تخیل خود کودک باشد):

³ Strands (Visual arts, Art education, Primary school curriculum, 1999)

خروجی کار زمانی به عنوان اثر کودک نامیده می شود که تولید آن توسط کودک باشد. اثری که کودک تولید می کند باید بر اساس فهم، عواطف و تخیل خود او باشد. اگر اثر تولید شده تحت تاثیر ایده های فرد یا چیز دیگری هم باشد در نهایت باید بر اساس ادراکات خود آفریننده ی اثر باشد. از این جهت باید بتوان گفت که این اثر بازآفرینی یک پدیده یا ایده است. هر قدر تعداد بیشتری از ادراکات کودک درگیر شود، اثر تولید شده بیشتر معرف کودک خواهد بود.

۳. کار هنری کودک معنا دار است:

به این معنا که وقتی کودک، از خیال خود در کار هنری بهره می گیرد می توان معنایی را در آن جست و جو کرد و آن را مورد تحلیل قرار داد. هنر کودک مانند هر هنر دیگری بازتاب عواطف، افکار و تخیل او است. وقتی فعالیت کودک معنا دار می شود و برخاسته از تخیل و عواطف او باشد، تخیل و عواطف مخاطبین خود را نیز تحت تاثیر قرار می دهد و برای آن ها ابهام و چند معنایی را به دنبال خواهد شد.

با توجه به معیار های ذکر شده که معرف هنر کودک هستند، می توان هنر کودک را به این صورت معرفی کرد^۴:

"اثری که کودک برای بازآفرینی پدیده یا مفهومی متأثر از تخیل و ادراکات خود در یکی از قالب های هنری تولید یا اجرا می کند".

ب) باورهای آموزشی

ب ۱) معیارهای آموزشی از تعریف هنر کودک استخراج می شود.

۱. فعالیت باید در یکی از قالب های هنری طراحی شود. فعالیتی که مریدان برای کودکان طراحی می کنند، در قالبی از قالب های هنری است که جنبه های زیبا شناختی دارد. به همین جهت ذوق و سلیقه ی کودکان را برمی انگیزاند.

۲. فعالیت کودک باید بر اساس ادراکات خود او باشد. کودک رفتار آموزشی خود را باید بفهمد و از بعد عاطفی آن را به عنوان بخشی از زندگی بپذیرد. لذا برنامه ی آموزش هنر باید به گونه ای طراحی شود که کودک آن را بفهمد، دوست داشته باشد و به کار بگیرد.

آموزش مناسب با کودک ارتباط برقرار می کند، او را به تفکر وامی دارد و عواطف او را درگیر می کند. آموزش مناسب آموزشی است که به رشد طبیعی کودک کمک می کند و نتیجه ی آن کودکی رشد یافته است. کاردستی آموزش طریقه ی ساخت یک شیء معین نیست. نقاشی فراگیری ترسیم محض صورت یک شیء نیست. نمایش برای کودک اجرای یک سری دستورالعمل های حرکتی معین و بیان یک سری دیالوگ های از پیش تعیین شده نیست.

کودک باید با موضوع ارایه شده ارتباط برقرار کند، آن طور که احساس می کند و می فهمد آن را دریافت کند. دستورالعمل مربی در کلاس آموزشی را باید به روش خود بفهمد تا بتواند با آن همراه شود. فهم دستورالعمل های پیچیده و چند مرحله ای برای کودک دشوار خواهد بود. عدم توجه کافی به این مهم سبب می شود کار کودک تبدیل به تقلید صرف و اطاعت ناآگاهانه ی او از دستورالعمل ارایه شده در کلاس شود. رعایت این معیار هویت کارهنری را برای کودک تضمین می کند. سبب می شود هر کودک خودش باشد، ویژگی های فردی خود را بروز داده و نتیجه ی اثری که تولید می کند با آثار سایر کودکان تفاوت داشته باشد. **ارایه ی آزادی تفکر، احساس و**

^۴ فعالیت نقاشی کودک برای دوره ی پیش از دبستان؛ کیومرث سلطانی ابهری، کتاب فعالیت های یاددهی - یادگیری، نشر توکا

عمل به کودک برای رعایت این معیار در طراحی و اجرای فعالیت های آموزش هنر الزامی است. کودک اجازه دارد، آزادانه در موضوع دست برده و حتی آن را بر اساس خواسته ها و تمایلات خود تغییر دهد.

در نتیجه ی رعایت این معیار کودک به فعالیتی که انجام می دهد میل درونی داشته و بدون دخالت خارجی جذب فعالیت شود. آن قدر که اگر زمان اجرای فعالیت به اتمام برسد او هم چنان تمایل دارد داوطلبانه در آن باقی بماند. در این صورت او با فهم و ادراک خود وارد حوزه ی فعالیت می شود و کاری که انجام می دهد بیان گر خود او و توانمندی های او است.

برای حفظ فرصت های انتخاب گری، دستورالعمل هایی که مربیان برای انجام فعالیت هنری به کودکان ارائه می دهند باید برای آن ها قابل فهم باشد. می توان دو ویژگی مهم را از این حیث برای نگارش متن فعالیت ها ذکر کرد:

یکی شفافیت و قابل فهم بودن ادبیات متن طرح فعالیت: وضوح و شفافیت دستورالعمل، دانش آموزان را به هدف فعالیت معطوف کرده از ابهام دور نگه می دارد. سایر مربیانی که تمایل دارند این فعالیت را برای دانش آموزان خود انتخاب کنند، شفافیت متن فعالیت، فهم مشترک از اهداف، متن و دستورالعمل های آن را به دنبال دارد.

دیگری منطقی بودن ارتباط دستورالعمل ها با هم (ترتیب و پیوستگی): ترتیب چینش فعالیت ها به شکلی منطقی انجام شود که کودک بفهمد در هر زمان چه می کند و چرا دارد این دستورالعمل را اجرا می کند. ارتباط یک دستورالعمل با هدف فعالیت و با سایر دستورالعمل ها یا ارتباط دستورالعمل ها با محتوای آمده در فعالیت، به سازمان بخشی ذهن کودک کمک می کند تا او با فعالیت ارتباط معناداری برقرار کند.

اگر این دو ویژگی از سوی مربیان در طراحی فعالیت های هنری رعایت نشود، ارائه ی آزادی و حق انتخاب برای کودکان چیزی جز آشوب و سردرگمی به دنبال نخواهد داشت.

۳. فعالیت باید کودک را (از طریق چالش های عاطفی و ذهنی) جذب کند. فعالیتی برای کودک جذاب خواهد بود که پویا

باشد. عواطف، تفکر، جسم و خیال کودک را برای انجام کار بدون اعمال محرک خارجی درگیر کند تا از انجام آن لذت ببرد. فعالیت هنری اگر کودک را به توصیف پدیده ها از طریق هنر ترغیب کند می تواند تخیل او را به تحرک وادارد و اثر کودک را معنا دار کند. موضوعات واگرا این امکان را می دهد تا کودک جهان ساخته ی ذهن خود را متفاوت از دیگران ابراز کند.

آن چه را کودک دوست می دارد ، عواطف او را تحریک می کند. خاطرات، داستان ها، موضوعات طنز آلود همگی عواطف کودک را تحریک می کنند و فعالیت را برای او جذاب می کند.

وجود مسئله و چالش های ذهنی، تفکر کودک را فعال می کند و او را به ریسک کردن برای حل معمای ارائه شده ترغیب می کند.

اگر او با فعالیت های حرکتی شادی آور و لذت بخش روبه رو شود، با میل آن ها را انجام می دهد.

ادراکات کودک وقتی درگیر کار هنری می شود که فعالیت طراحی شده تخیلات او را درگیر کند. به او اجازه دهد تا واقعیت را آن گونه که می فهمد و احساس می کند (درک می کند) تصور کرده ، اثر هنری خود را تولید کند. از ویژگی های سنی کودکان تمایل به بروز تخیل و آفرینندگی است. زمانی که کودک تخیل می کند، دنیا را آن طور که می خواهد، می فهمد و دوست دارد متصور می شود. به این جهت کودک زمانی که تخیل می کند، جهانی را در ذهن خود می سازد که نه این جهان بلکه موازی و متفاوت با آن است. ذهن کودک در این زمان یک آفریننده است. وقتی در انجام یک فعالیت تخیل درگیر نمی شود نمی توان آن را یک فعالیت هنری قلمداد کرد. تخیل لازمه ی بروز خلاقیت است. موضوع فعالیت اگر کودک را جذب کند می تواند تخیل کودک را تحریک کند.

در صورت عدم رعایت این معیارها ممکن است انجام فعالیت به اثری ساده ، تکراری و برگرفته از ادراکات سطحی تبدیل شود و نشان دهد کودک آن ها را با بی میلی و اجبار انجام داده است.

در نتیجه معیارهای طراحی فعالیت به شرح زیر معرفی می شود و باید در تمام فعالیت های هنری رعایت شود:

- ❖ فعالیت باید در یکی از قالب های هنری طراحی شود.
- ❖ فعالیت کودک باید بر اساس ادراکات خود او باشد.
- ❖ فعالیت باید کودک را (از طریق چالش های عاطفی و ذهنی) جذب کند.

ب ۲) بین موضوعات مشخص آموزشی و موضوعات آزاد باید تعادل برقرار کرد.

کودک ممکن است دو گونه در فعالیت های هنری مدرسه شرکت کند. فعالیت هایی که موضوع و روش کار را خود کودک انتخاب می کند و انجام می دهد (موضوع آزاد). دیگر این که مدرسه فرصت هایی را ایجاد می کند تا کودک درگیر فعالیتی با موضوع یا روش مشخص و از پیش طراحی شده بشود (موضوع تعیین شده از سوی مربی). تعادل میزان آرایه ی موضوعات آزاد و موضوعات مشخص در برنامه ی درسی هنر مهم به نظر می رسد.

در نوع اول کودک فرصت هایی را لازم دارد تا به فعالیت های هنری آزاد بپردازد. هر طور تمایل دارد تجربه کند و نیازهای خود را پاسخ دهد. مریدان دوره های اول و دوم دبستان باید فرصت هایی را ایجاد کنند تا کودکان اگر تمایل دارند آزادانه به فعالیت هنری بپردازند و از این فرصت ها بدون نگرانی استفاده کنند. اگرچه که کودک در تمام اوقات کار هنری، هر زمان این اختیار را دارد تا موضوعی را که به او آرایه می شود، به میل خود تغییر دهد یا قالب دیگری برای کار را انتخاب کند. طراحی فرصت هایی برای فعالیت های آزاد هنری در طول هفته می تواند به شکل فرصت های متفاوت پیش بینی شود. یکی از این فرصت ها به عنوان ایستگاه های هنری است که کودکان در زمان های آزاد خود این امکان را دارند که به آن مراجعه کنند. فرصت دیگر آرایه ی کار آزاد هنری است که مریدان هنر در زمان برنامه ی درسی هنر کلاس ها باید برای دانش آموزان پیش بینی کنند.

در جلسات متفاوت هنری، کودکان باید هم از موضوعاتی که توسط مربی آرایه می شود استفاده کنند و هم موضوعات انتخابی خود را به کار گیرند. آرایه ی موضوع در جلسات سبب می شود تا کودک در موقعیت تازه قرار گرفته، خود را با موضوعی که قبلاً به آن فکر نکرده، وفق دهد. فعالیت هنری دارای موضوع، دقت و تمرکز بچه ها را افزایش خواهد داد. آرایه ی این موضوعات می تواند در قالب داستان، شعر، بیان یک سوال، جمله یا یک کلمه و یا تماشای یک فیلم ... باشد اما آنچه که مهم است، این است که کودک در انتخاب فرم ها و شکل های پرداخت به موضوع، احساس آزادی عمل کرده و اجازه هرگونه اعمال تغییری را داشته باشد. هر قدر جزئیات بیشتری را در مورد موضوع بیان کنیم امکان دخل و تصرف کمتری در آن را به کودکان خواهیم داد. یک موضوع خوب آن است که برای کودک فقط اشاره ای داشته باشد تا او ایده اولیه را دریافت کرده، آن را در ذهن خود پرورش دهد و برای انجام آن برنامه ریزی کند. موضوع می تواند یک روش کاری (تکنیک) باشد. به عنوان مثال کار چاپ با سیب زمینی، یا کلاژ و یا هر روش دیگری. در این باره نیز مربی باید فضایی برای کودک فراهم کند تا او بتواند توانایی خود را نشان داده، از شیوه طرح شده به نحوی که دوست دارد، بهره ببرد و برای خلق اثری خلاقانه یا ذوقی که دوست دارد استفاده کند. این یعنی آن که فقط چیزی را بی هدف چاپ نمی کند، همان طور که فقط کاغذ بی شکلی را در کلاژ به روی صفحه (بی هدف) نمی چسباند. مربی کودک را ترغیب می کند تا او کار معناداری را انجام دهد و موضوعی را به انتخاب خود در نظر بگیرد و با شیوه ی کاری معرفی شده، موضوع دلخواه خود را اجرا کند.

نسبت موضوعاتی که از سوی معلمان به کودکان داده می شود به موضوعات اختیاری می تواند طبق آن چه در بخش طرح الگوی مطلوب برنامه ی درسی هنر برای دوره ی ابتدایی ایران در سند هنر آمده چهار به یک باشد. یعنی زمان پرداختن به موضوعات ارایه شده از سوی مربیان می تواند چهار برابر موضوعات اختیاری باشد^۵.

برای فهم کودک و برقراری ارتباط او با موضوع فعالیت، پرهیز از دستورالعمل های پیچیده و چند مرحله ای مهم به نظر می رسد. کار هنری کودک وقتی خلاقه و معرف ادراکات اوست که کودک بیشترین سهم را در انجام کار داشته باشد. هر قدر دستورالعمل های مربیان برای دریافت "نتیجه بهتر" بیشتر باشد، از نقش کودک کاسته شده و اثر او به سمت الگوپذیری صرف و بی معنا نزدیک می شود. تکنیک های پیچیده که معمولاً در چند مرحله به کودکان ارایه می شود، می تواند از جمله اعمالی باشد که مربی ناخواسته با آن ها آزادی عمل کودک را از او می گیرد، کودک را گیج یا بی حوصله می کند. راه کشف را بر او می بندد و آثار کودکان را به یک شکل شدن نزدیک می کند.

فعالیت های هنری می توانند به صورت تک فعالیت و مستقل از سایر فعالیت ها ارایه شده یا چند فعالیت به دنبال هم و از نظر موضوع مرتبط با هم ارایه شوند. مواجهه ی کودک با فعالیت های متنوع هنری رشد دهنده است. ممکن است برای آموزش، فعالیت هایی به صورت دنباله دار و برای چند جلسه طراحی شود. معمولاً برای آشنایی بیشتر کودکان از ابعاد کار با یک ابزار یا یک شیوه ی هنری یا یک موضوع، از این روش استفاده می شود. قابل ذکر است به طور معمول در کلاس های هنر، کودک تمایل دارد در انتهای هر جلسه یک کار تولید کرده باشد. از آن جا که هنر، بیان احساس و عواطف و افکار است و کودک در فرآیند تولید هیجانانگیز خود را در کار تخلیه می کند، تمایل ندارد در کلاس هنر، کار جلسات قبل را تکمیل کند.

برای مدیریت محتوای یک سال تحصیلی در هر پایه، هم چنین مدیریت محتوایی همه ی پایه های تحصیلی در دوره های پیش دبستانی تا انتهای مقطع ابتدایی، جدول محتوای آموزش هنر برای یک سال تحصیلی (پیوست ۱۱) به مربیان پیشنهاد می شود، تا با چینش محتوای هر جلسه ی هنر در هر قالب هنری ارتباط کارگاه های هنری در طول یک سال تحصیلی و همچنین در طول دوره ی پیش دبستان و ابتدایی دیده شود.

ب ۳) کودکان به توانمند شدن در شیوه های کار هنری نیاز دارند

دانش آموزان با آشنایی روش ها و تکنیک های هنری بهتر می توانند خود را بیان کنند و توان خود را برای بروز خلاقیت های هنری افزایش دهند. آن چه در پیوست های ۶ آمده شیوه ها و تم هایی است که فرصت های آموزشی را برای کار هنری ایجاد می کند و ضمن ارتقای توانمندی ها و ویژگی های طبیعی کودکان شامل ویژگی های اجتماعی، عاطفی، ذهنی، جسمی و کلامی، می تواند افق های گسترده تری را برای ارتقای ادراکات هنری باز کند.

کودکی که می داند چگونه و با چه طریقی می تواند از ابزار مداد رنگی در نقاشی، ابزار پرداخت در حجم سازی، حرکت دادن اندام های خود در نمایش استفاده کند، بهتر می تواند خود را بیان کند و در این بین خلاقیت های خود را بروز دهد. گاهی ندانستن روش صحیح استفاده از ابزار می تواند خسارت برگشت ناپذیر وارد کند.

مربیان می باید برای طراحی فعالیت هنری در موضوع یکی از شیوه های کار هنری، نکات زیر را جهت آموزش شیوه های کار هنری لحاظ کنند:

^۵ سند موضوعی برای دبستان های مجتمع آموزشی مفید، هنر، ذیل عنوان زمان (ساعت در هفته) اختصاص یافته به برنامه ی درسی هنر در دوره ی ابتدایی

تلاش کنند تا دانش آموزان شیوه ی کار را با جست و جوگری کشف کنند. دیدن نمونه ی کار و بررسی آن ها از نزدیک، دیدن روش کار معلم (بدون توضیح) می تواند به کشف روش کار توسط کودکان کمک کند. اگر چاره ای جز معرفی روش به طور مستقیم نبود، ابتدا شیوه ی کار را یک بار خیلی ساده، کوتاه، آهسته و ترجیحا بدون کلام، برای کودک انجام داده و سپس از کودک بخواهیم آن را انجام دهد. در صورت لزوم می توان از کودک خواست فهم خود را از عمل مربی بیان کند و یا برای دقت بیشتر کودک به ابعاد کار، آن را خیلی کوتاه و به شکل زبانی معرفی کنیم.

در طراحی آموزش شیوه ها و تکنیک های هنری می توان از رویکرد دیسیپلین محور (پیوست ۹ صفحه ی ۸) بهره گرفت. در این رویکرد شیوه های هنری در هر رشته از رشته های هنر، از منظر ابعاد چهارگانه ی رویکرد تربیت هنری دیسیپلین محور (تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیباییشناسی) مورد بررسی قرار می گیرند. در این رویکرد نیز تاکید دارد تکالیف برنامه ای (یادگیری) برای دانش آموزان باید معنادار باشد. آن ها برای انجام تکالیف باید انگیزه ی درونی داشته باشند.

مربی برای تکنیک های هنری برنامه دارد و در این برنامه نقطه ی شروع را از جایی می گذارد که برای کودک آسان است. اگر چه این برنامه رو به پیشرفت و پیچیده تر شدن پیش می رود اما نقطه ی پایانی آن ظرفیت انگیزشی و توان کودک است نه آن چیزی که مربی قصد می کند.

به عنوان مثال در هنر تجسمی قرار است تکنیک چاپ آموزش داده شود. مربی ابتدا می تواند از چاپ برگ (عینا و بدون تغییر) شروع کند و آن را به چاپ سیب زمینی برساند که قابلیت تغییر در آن است برساند. بعد از آن وارد دنیای قالب ها و بعد از آن کلیشه ها شود. منظور از بیان این مثال آن است که ورود یک باره ی به دنیای کلیشه ها می تواند کودک را دچار چالش های جدی کند. مربی می داند که برای ورود به کلیشه ها، کودک باید توان ترسیم در سایز بزرگ، برش با تیغ و قیچی را تمرین داشته باشد و مهم تر از همه این که بفهمد چرا و چگونه دارد کار می کند. به صورتی دیگر ممکن است مربی این شیوه را با نمایش آثاری از این دست معرفی کند و اجازه دهد کودک خود شیوه ی کار را حدس بزند و امتحان کند. یا ممکن است فیلمی در این باره پخش کند که کودک با دیدن آن برای کسب تجربه ی کار هنری برانگیخته شود.

در مورد آگاهی از استفاده هر شیوه ی هنری، لازم است کودک را به نقد شیوه در آثار هنری تولید شده توسط هنرمندان ترغیب کرد. یکی از سوالات در این باره می تواند این باشد که شیوه ی به کار گرفته شده را حدس بزند، چگونگی استفاده از آن را بیان کند، تاثیر استفاده از آن شیوه در بیان هنری را بگوید و یا بیان کند اگر با شیوه ی متفاوتی اجرا می شد چگونه اثری را بر مخاطب می گذاشت. تاریخ هنر و سبک های هنری می تواند کودک را فهم شیوه های هنری کمک زیادی بکند. بچه ها پس از مطالعه ی تابلوهای یک هنرمند (مثلا ون گوگ) می توانند نقاشی های او را در مواجهه با سایر آثار او شناسایی کنند. تلاش کنند مثل او کار کنند، برای درک مفهوم به نقد هنری اثر بپردازند و از وضعیت اجتماعی قرن هیجدهم، آگاهی یابند. این اتفاق کمک می کند در زمان نقاشی، مثل او فکر و احساس کنند و بدانند چرا دارند این گونه کار می کنند. این باعث خواهد شد تا اثری خلاقانه تولید شود. برای شناخت یک سبک و شیوه ی هنری، لازم است برای هر چهار بعد رویکرد دیسیپلین محوری برنامه داشت. یعنی کودکان برای توانمندی در یک شیوه، به شکلی کاملا جذاب آن را نقد کنند، تاریخ فرهنگی و اجتماعی آن را شناسایی کنند، ابعاد زیبایی آن را تحلیل کنند و به تولید به آن شیوه اقدام کنند.

دانش شیوه موضوع برنامه ی هنری نیست بلکه پس از معرفی شیوه، از بچه ها خواسته می شود آن شیوه را برای بیان احساس و افکار خود یا برای تولید اثری که این شیوه می تواند برای آن مناسب باشد، به کار گیرند. مربی ممکن است برای شیوه ی معرفی شده، موضوع هم بیان کند. اگر ارایه ی موضوع به همراه معرفی شیوه ی کار، کودکان را دچار محرومیت از ارایه ی فکر و بیان احساس نمی کند و آن قدر در موضوع واگرایی وجود دارد که کودک حق انتخاب خود را برای روش بیان موضوع از دست ندهد، می تواند از سوی مربیان ارایه شود. در غیر این صورت پیشنهاد می شود هرگاه موضوع محتوایی ارایه می شود، شیوه ی کار را به انتخاب خود کودک گذارد و هرگاه شیوه ای آموزش داده می شود و توسط مربی برای کار دانش آموزان انتخاب می شود، بهتر است انتخاب موضوع محتوایی را در اختیار

خود کودک قرار دهید. اگر مربی قصد دارد شیوه ی کاری را با موضوع محتوایی، هر دو را با هم ارایه دهد جمله ی معلم باید به گونه ای باشد که کودک نه تنها احساس محرومیت نکند بلکه آگاهانه ارتباط منطقی بین این دو (شیوه ی کار و موضوع ارایه شده) را برقرار کند. مثل این جمله: اگر خواستیم با گل یک ماهی درست کنیم چه شکلی (چه جوری) می شه؟ اگر خواستی فقط با یک رنگ دنیای رنگا رنگ را بکشی چگونه عمل می کنی؟ چطوری می تونی فقط با رنگ های زرد و نارنجی تصویر زمستان را بکشی (یا، اگر بخواهیم ... چطور می شود)؟ چگونه می شود فقط با زبان بدن (بدون کلام) جیغ زد؟ چگونه می توانی جوری حرکت کنی که من موسیقی مارش را احساس کنم؟... این ترکیب (بین شیوه ی کار و موضوع) کودک را با مسئله ای مواجه می کند که او را به جست و جو می دارد.

وقتی ابزار ها موضوع کار کلاس هنر می شوند، فرصتی برای کودک ایجاد می شود تا امکانات ابزار را لمس کرده آن ها را به گونه ای که خود می فهمد به کار بگیرد، محدودیت ها و امکانات هر کدام را کشف کند. زمانی که مربی روش خاصی را معرفی می کند باید اجازه دهد تا کودک به جای تقلید از روش هنرمند، آن را مطالعه کرده و فهم خود را از نتیجه ی کنکاش به کاربرد. کودکان باید به جای تقلید از روش هنری یک هنرمند یا یک مکتب خاص (که نتیجه ی نگاه هنرمند به جهان است و دریافت های زیباشناختی خالق آن را بیان می کند)، سبک خود را برای تولید یا نقد هنری به کار ببرند. آموزش شیوه های هنری به خودی خود هدف آموزشی کلاس های هنری نیستند بلکه این آموزش ها باید در خدمت اهداف بیان و تولید هنری قرار بگیرند.

مربیان باید تلاش کنند تا روح و صفای کودکی در آثار دانش آموزان دیده شود. آموزش روش های غیر ضروری و تاکید بیش از حد بر روی رعایت نظم در کار مثل برش کاغذ با قیچی که از نظر زیباشناسی هم توصیه نمی شود، می تواند نتیجه را تحت تاثیر قرار داده و خروجی کار کودکانه نباشد.

کودکان برای استفاده ی صحیح از ابزار کار هنری در حدی باید آشنا باشند که آن را می فهمند، می توانند انجام دهند و به استفاده از آن انگیزه دارند. بهترین شاخص برای رعایت این حد در آموزش فنون به کودک، خود کودک است. علاقه و توانمندی های ذهنی و حرکتی آن ها بهترین شاخص برای تعیین کمیت ارایه ی آموزش شیوه های هنری است. آموزش هنر نمی خواهد جریان آموزش کودک را کنترل کند و او را به نقطه ای خاص (مثلا توانمندی در ترسیم) برساند. آموزش هنر به کمک کودک می آید تا او را در مسیر دلخواه خود یاری کند.

سیر منطقی شیوه های هنری خصوصا می تواند از طریق طراحی جداول محتوای آموزش هنر برای یک سال تحصیلی (پیوست ۱۱) توسط مربیان و طراحان فعالیت مدیریت شود. لزوم استفاده از این جداول برای آموزش شیوه های هنری که اغلب باید از آسان به دشوار چینش شوند، بیشتر از چینش محتوای موضوعی احساس می شود.

ب ۴) هنر کودک از طریق آموزش صحیح قابل رشد و ارتقاء است

کودک از طریق آموزش صحیح می تواند توانمندی های هنری خود را افزایش داده نگاه جدیدتر، بهتر و دقیق تری به جهان پیدا کند. افکار او سازمان بیشتری پیدا کند، عواطف او نسبت به وقایع و پدیده ها شکل کامل تری بگیرد و حس زیباشناختی او ارتقا یابد. آموزش صحیح، کودک را از خودش دور نمی کند بلکه کمک می کند کودک توانمندی های خود را بهتر بشناسد و او را ترغیب می کند تا از آن ها برای بروز خلاقیت های خود استفاده کند. آموزش صحیح توانمندی کودک را در بیان هنری افزایش می دهد و کودک از این حیث لذت بیشتری را تجربه خواهد کرد.

ب ۵) هدف از آموزش هنر تربیت هنری است نه تربیت هنرمند.

کودک در مواجهه با آموزش هنر می آموزد عمیق تر از قبل به پدیده ها نگاه کند و درباره ی چرایی و چگونگی آن ها بیاندیشد. ارتباط درون و بیرون پدیده ها را با هم و با تجارب قبلی خود برقرار کند و نگاه متفاوتی به جهان داشته باشد. آموزش مناسب به ایده های کودک توسعه می دهد، جرات او را برای بیان افکار خود تقویت می کند و به واسطه ی ارتباط بهتر و عمیق تری که بر اثر آموزش مناسب با جهان برقرار می کند، از زندگی خود لذت بیشتری احساس کند.

هنر از این حیث که کودک را به ارتباطی لذت بخش با پدیده ها دعوت می کند و ذهن، عواطف و تخیل او را درگیر می کند زمینه ی مناسبی برای رشد زیبایی شناسی کودک محسوب می شود. هدف هنر تربیت هنری است. کودک از طریق هنر رشد و تعالی می یابد. آموزش صحیح رفتار ناخودآگاه کودک را به رفتار آگاهانه و خلاقانه نزدیک می کند. به رفتار کودک اجازه می دهد از یک برون ریزی صرفا هیجانی، به رفتاری بیان گر بیانجامد که همراه با کنترل بوده و شکلی سازمان یافته داشته باشد. کودکی که به احساسات خود واقف است چون می تواند آن ها را مدیریت کند، به آرامش بیشتری می رسد. یک آموزش صحیح هنری و انجام فعالیت های مناسب می تواند ابعاد پیچیده و متضاد درون کودک را از حیطه ی ناشناخته و ناآگاه به حیطه ی آگاهی برساند.

آموزش موثر آموزشی است که روند و نتیجه ی آن همواره نمایانگر ادراکات و عواطف کودک است. نتیجه ی چنین آموزشی افزایش تفاوت ها در آثار کودکان است. آموزش مناسب به رشد عاطفی و ذهنی کودک و به شکل گیری هویت مستقل او کمک می کند.

کودکان هر قدر بیشتر از نظر سنی رشد می کنند، هماهنگی اعصاب و عضلات آن ها بیشتر خواهد شد. ذهن آن ها برای درک پیچیدگی های فنی و تکنیک ها توانمندتر می شود. توقع شان از نتیجه ی اثر خود معقول می شود و به یادگیری سبک های هنری یا تکنیک های آن علاقمند تر می شوند. لذا هر قدر کودکان بزرگ سال تر شوند (معمولا در سن دانش آموزان دوره ی متوسطه دوم)^۶ آموزش تکنیک و مواجه کردن آن ها با سبک های هنری، بهتر جواب می دهد.

کودکان هر قدر کوچک تر باشند از آن جا که همه ی ابعاد واقعیت را نمی توانند دریافت کنند، فرصت بهتری برای درگیر کردن تخیل خود در مواجهه ی با پدیده ها دارند، بهتر دستکاری ها ی در واقعیت را می پذیرند و این دستکاری خود را موجه و منطقی می بینند. چون فعالیت هنری برای آن ها به مثابه یک بازی هیجان انگیز و لذت بخش است، بیشتر از آن که تولید محصول اهمیت داشته باشد، نفس اجرای کار هنری ارزش پیدا می کند و به همین دلیل به راحتی و بدون وابستگی و تعلق خاطر به آثار خود، چیزی را که هنوز در جریان تولید آن است، برای ساخت چیز دیگری تخریب می کند و از این جهت هر قدر کودک تر باشند خلاقیت آن ها بهتر امکان بروز پیدا می کند. ریسک بیشتری برای تغییر واقعیت ها دارند و برای بیان احساس و عواطف خود با بی پروایی بیشتری عمل می کنند. از این نظر بهتر است در دوران کودکی بیشتر بر فرصت هایی برای بروز افکار و عواطف آن ها تاکید داشته باشیم و برای یادگیری فنون پیچیده ی هنری تعجیل نکنیم. یادگیری استفاده از ابزار و تکنیک های اجرا تا آن حد باید باشد که کودک احساس نیاز می کند و ذهن او را از بروز خلاقیت و بیان خود، دور نکند.

^۶ تعلیم و تربیت و مراحل آن، دکتر غلامحسین شکوهی، آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۳، صفحه ۱۰۷

ب ۶) آموزش مناسب هنر فرصتی است که کودک تجارب زیبا شناختی^۷ خود را افزایش می دهد.

در حوزه ی کودک منظور از واژه ی زیبا شناختی یک واژه ی علمی، عقلانی و شناختی نیست بلکه زیبا شناختی به معنای آگاهی و شناخت از راه آشنایی، شناخت شهودی، حسی و درونی، عملی و کاربردی است. یک کودک سه ساله می تواند راه برود و می داند راه رفتن چگونه است اما نمی تواند فرآیند آن را شرح دهد، کودکان نیز می توانند آثار زیبایی را بدون آن که توان شرح علت زیبایی آن را داشته باشند خلق کنند. هر قدر کودکان کار بیشتر تولید کنند، بیشتر در معرض آثار هنری بزرگان قرار بگیرند، درباره ی آثار هنری تفکر داشته باشند، فرصت نقد پیدا کنند، می توانند تجارب زیباشناختی خود را افزایش داده و سلیق هنری خود را ارتقا می بخشند.

در نتیجه زیبایی مفهومی نیست که بتوان آن را به کودک آموزش داد. اما رشد این حس آن قدر اهمیت دارد که تاثیر آن در شکل گیری هویت کودک غیر قابل انکار است. ارایه ی منابع متنوع از آثار هنری، گردش در طبیعت، بازدید از گالری ها و نمایشگاه ها، فعالیت هایی هستند که سلیقه و فهم هنری کودکان را افزایش می دهند و حس کودکان را به زیبایی های جهان ارتقا می بخشند.

ب ۷) آموزش باید فرصت هایی را برای تجربه ی کودک در انواع قالب های هنری فراهم آورد.

فعالیت های هنری فقط نقاشی و کاردستی نیستند. فعالیت های هنری شامل تمام فعالیت های عنوان دار یا بی عنوانی است که ذوق و عواطف و تخیل کودک را برای شکل گیری مفهومی درگیر می کند و آن ها را به تولید خلاقانه می رساند. منظور از فعالیت های عنوان دار فعالیت هایی است که شهرت دارند یا بعداً بوجود خواهند آمد و به عنوان یکی از قالب های هنری معرفی خواهند شد. مثل نقاشی، تصویرسازی و کلاژ، کاردستی، پیکره سازی و حجم سازی، ماسک سازی، نمایش، نمایش منطبق بر الگوهای تکرار شونده و هماهنگ با ریتم (منظور هماهنگ شدن حرکات و صدا و سایر حواس با الگوهای شنیداری است که تاثیر آن هماهنگی حواس و عضلات خواهد بود) و نمایش خلاق، ادبیات (ادبیات تولید هنری با ابزار کلام است، ادبیات نمایشی، تولید شعر، تولید قصه از این جمله هستند)، صداسازی و تولید ریتم، تواشیح، دعا و قرائت قرآن^۸، گل بازی، دوختنی و بافتنی (خلاقانه) و طراحی لباس، سفره آرایی، عکاسی، فیلم سازی و انیمیشن، هنرهای دیجیتال و ... منظور از فعالیت های بی عنوان فعالیت های ذوقی است که مربی به تناسب طراحی می کند اما به راحتی نمی توان عنوانی را برای آن ها تعیین کرد. انواع تزئینات مثل رنگ آمیزی تخم مرغ، کادو سازی، شکل دهی به محیط و هر فعالیتی که ذوق و عواطف کودکان را درگیر کند و تخیل او را به جنبش و جوشش درآورد. مدرسه موظف است هر قدر می تواند بیشتر کودکان را در معرض این فرصت ها قرار دهد. تعدد این فرصت ها سبب می شود تا مدرسه بتواند حداکثر سلیق را پوشش دهد.

مربیان می توانند دو یا چند قالب هنری را با هم تلفیق کرده و شکلی از کارگاه هنر را ارایه دهند که پیرامون یک موضوع مشخص، انواعی از شکل های (قالب های) هنری را ارایه می دهد. مثلاً دانش آموزان برای یک موضوع نمایشی بازی کنند و سپس با آمادگی ایجاد شده حجمی را برای همان موضوع بسازند و در نهایت نمایش دهند که این فرم ساخته شده را اگر بخواهند در بدن خود نمایش دهند، چگونه خواهد شد.

7 Aesthetic

۸ متون عربی برای دانش آموزان ابتدایی نا مفهوم است. از آن جا که مهم است کودک بداند و بفهمد چه می کند، هنر معلم انتخاب گزاره هایی برای تواشیح، دعا و قرائت قرآن است که ریشه های مشترک با واژه های فارسی در آن وجود دارد، متون کوتاه و آهنگین هستند و معنا و مفهومی را در بر دارد که کودک قادر است آن را بفهمد، با دنیای کودکی ارتباط دارد. آموزه هایی مثل و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (نساء / ۳۶) "یا" وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره / ۱۵۵) "رب اغفر لی و لوالدی و ارحمهما کما ربیبانی صغیراً (اسراء / ۲۴)" هم دانش آموزان می توانند با جست و جویی معنای آموزه را بیابند و هم برای آن ها قابل فهم است و می تواند با دنیای آن ها ارتباط برقرار کرده یا می توانند آن را سرلوحه ی زندگی خود قرار دهند. هدف تبلیغ یا ترویج دین یا مذهب و یا اثبات معارف آن ها نیست. این آموزه ها را می توانند با صوت ابتکاری خود بخوانند و یا با سبک های مختلف قراء متفاوت آشنا شوند.

نکته ای که ذکر آن ضروری به نظر می رسد آن است که وظیفه ی آموزش غنی کردن محیط یادگیری و ایجاد فرصت هایی برای یادگیری و رشد همه جانبه ی کودک است.

ب (۷-۱) زمان پیشنهادی برای هنر در دبستان های مفید

ساعات کار هنری دانش آموزان پیش دبستان و ابتدایی در مجتمع آموزشی مفید این گونه پیشنهاد می شود. البته ذکر این نکته لازم است که آن چه در این قسمت می آید غیر الزامی بوده و مدارس به تناسب امکاناتی که دارند از آن استفاده خواهند کرد.

برای پیش دبستان هر روز یک ساعت. از انواع هنرها. خوب است دانش آموزان هر روز یکی از هنرها را تجربه کنند. به این شرح که در مورد هنرهای تجسمی، یک روز هنر دوبعدی و روز دیگر هنر حجمی (سه بعدی). در مورد هنرهای نمایشی یک روز نمایش (انواع نمایش) و یک روز نمایش مبتنی بر الگوها و ریتم و روز دیگر صداسازها و تولید ریتم (در قالب هنر نمایشی)

برای دوره ی اول در هفته ۴ ساعت. هر روز یکی از هنرها را تجربه کنند. نمایش مبتنی بر الگوها و ریتم حتما در هفته کار شود و صداسازها در نمایش لحاظ شود.

برای دوره ی دوم حداقل سه ساعت در هفته شامل یک ساعت هنر نمایشی و یک ساعت هنر تجسمی (در قالب دو بعدی و سه بعدی - انتخابی). ساعت سوم دانش آموزان اختیار دارند در هر قالبی از هنر که اراده می شود (نمایشی یا تجسمی) شرکت کنند. به این ترتیب دوره ی دوم دو ساعت اجباری (هنر نمایشی و هنر تجسمی) دارند و ساعت سوم را انتخاب می کنند در کدام شکل از قالب هنرهای نمایشی یا تجسمی (دو بعدی یا حجمی) فعالیت کنند.

استفاده از صداهای آرام بخش مثل صدای طبیعت و موسیقی هایی که باعث تفکر و خلاقیت می شوند، می توانند فضای کار را برای کودکان لذت بخش کرده به پرورش ایده های خلاقانه ی آن ها کمک کند.

ب (۸) فضا و محیط آموزشی الهام بخش بوده و در رشد زیبایی شناسی کودک موثر است

محیط غنی برای کودک ایده بخش و تجربه آور است. کودک در محیط طبیعی از زیبایی های که احساس می کند الهام می گیرد. در مقابل آثار هنری، به چگونگی تولید و پیام تولید کننده ی اثر می اندیشد، به دنیای اثر ورود پیدا می کند و تخیل خود را با هنرمند همراه می کند. کودک با دیدن طبیعت و یا آثار هنرمندان به ایده ای تازه دست می یابد و برای تولید اثر هنری برانگیخته می شود. از این جهت فضای آموزشی کودکان باید از حیث وجود آثار بزرگان هنر، وجود آثار سایر کودکان و وجود محیط طبیعی غنی و متنوع می باشد.

ب (۹) هنر به عنوان یک امر کلی در آموزش و پرورش محسوب می شود.

هنر که تمام وجود انسان را در بر می گیرد، از حوزه های دیگر معرفتی جدا نیست و با آن ها یک شکل یک پارچه ای را تشکیل می دهد، اگر چه آموزش و پرورش سعی دارد برای شناسایی آن کل، اجزا را تفکیک کرده آن ها را به طور جداگانه بررسی کند. هنر چیزی نیست که به آموزش اضافه شود یا به آن رنگ بدهد بلکه هنر همان آموزش و پرورش است. زمانی که کودک کار هنری می کند با تمام حوزه ها درگیر می شود.

ج (باور در مورد مربیان آموزشی

ج ۱) نقش مربی

مهمترین نقش مربی در دوران کودکی (هر دو دوره ی ابتدایی) برقراری و حفظ رابطه ی صمیمانه و دلپذیر با کودکان است. این رابطه اگر ایجاد نشود مربی هر قدر در کار هنری متخصص باشد، خلع سلاح خواهد بود. مربی باید از کار خود در کلاس هنر لذت ببرد و از ارتباط با کودکان حالش خوب باشد. ارتباط مربی در خارج ساعت هنر با دانش آموزان می تواند به قوت این ارتباط کمک کند.

نقش مربی یک نقش تسهیل گری است. کودکان را به ادامه ی کار ترغیب می کند، از آن ها می خواهد به تجارب قبلی خود توجه کند، با سوال های خود کمک می کند تا کودکان عمیق تر و بیشتر بیاندهند، از منابع مختلف (مانند نمایش فیلم های هنری، آرایه ی آثار بزرگان هنر، آرایه ی آثار سایر کودکان ...) برای توسعه ی ایده های خود استفاده کنند و آن ها را ترغیب می کند تا برای اجرای کارشان از دیگران نظر بخواهند و یا کمک همسالان خود را درخواست کنند. برای بهتر شدن اثر دوستان خود نظر خود را به آن ها بگویند و به آن ها اگر اجازه دادند، کمک کنند.

ج ۱-۱) اصول اجرای فعالیت های آموزشی برای هنر

❖ انطباق فعالیت اجرا شده با فعالیت طراحی شده

فعالیتی که در کلاس اجرا می شود باید با فعالیت طراحی شده (پیش بینی شده) که در قالب طرح فعالیت هنری (پیوست ۱) از قبل توسط مربی نگارش شده، انطباق معنادار داشته باشد. به این معنا که فعالیتی که اجرا می شود اهداف در نظر گرفته شده را دنبال کند و تلاش معلم آن باشد که به بهترین شکل و به صورتی کامل برنامه ی طراحی شده را دنبال کند. البته مربی در زمان اجرا اجازه ی اعمال انعطاف های ضروری در راستای دست یابی فعالیت به اهداف را خواهد داشت. تسلط مربی به اهداف و فعالیت ها و جزئیات آن، تسلط به شیوه های فنی کار هنری، می تواند در این انطباق نقش مستقیم داشته باشد. به نظر می رسد مشارکت مربی در تولید طرح فعالیت می تواند به این تسلط کمک شایانی بکند. گاه ممکن است مربی در برابر شرایط محیطی یا زمانی یا عواملی مثل برخی رویدادها و طلب های کودکان، نسبت به برنامه انعطاف داشته باشد. انعطاف در اجرای برنامه به این معنا است که مربی به تشخیص خود آمادگی واکنش لازم و به موقع را برای اعمال تغییرات لازم در برنامه و در راستای اهداف پیش بینی شده دارد. برنامه ی طراحی شده نمی تواند تمام جوانب اجرا را پیش بینی کند. این معلم است که مانند پلیس چهار راه می تواند برای بهبود دستیابی به اهداف برنامه فعالیت هایی را جا به جا کرده یا حذف و اضافه می نماید. حتی مربی می تواند در روز اجرا یک برنامه را کنار گذاشته و فعالیت دیگری را آرایه دهد. به هر حال مربی نسبت به این تغییرات باید پاسخ مناسب و منطقی داشته باشد.

❖ حضور حمایت گرانه ی معلم در طول اجرای طرح فعالیت

مربی در تمام فعالیت های هنری، چه در زمانی که موضوعی را برای کار آرایه می دهد و چه در زمانی که دانش آموزان آزادانه موضوع و روش کار خود را انتخاب می کنند، در کلاس حضور دارد و فعالیت های کودکان را می بیند. با آن ها ارتباط برقرار می کند و ترغیب کننده ی تعاملات بین دانش آموزان می شود. فرصت هایی را فراهم می آورد که از یک دیگر تاثیر بگیرند و یا پرسش های تازه ای را مطرح کنند و برای دریافت پاسخ سوال های خود به جست و جو مشغول شوند. بچه ها می دانند مربی هنر، حامی آن ها است و می توانند به کمک او با مسایل احتمالی پیش روی، مقتدرانه روبه رو شده و در حل آن ها موفق باشند. مربی به موقع از کودکان برای تعمیق در مفاهیم، پرسش های مناسب و متناسب با کودک مطرح می کند، وسایل یادگیری را فراهم می آورد یا به موقع وسایل مزاحم را از محیط خارج می کند. پیشنهاد می دهد تا کودکان به نگاه از زوایای جدید ترغیب شوند و به موضوع کار هنری، نگاه تازه ای پیدا کنند. پیشنهاد نکاتی از سوی مربی که به تکمیل فعالیت هنری کودک کمک می کند از مصداق های حمایت گری برای حصول به نتایج

بهرتر و در نتیجه رضایت بیشتر دانش آموز از نتیجه ی کار خود است. شاید متعادل ترین روش آن باشد که ضمن رعایت معیارهای آموزشی، کودک را با پیشنهادهایی مواجه کرد که هم آموزشی است و هم در زیبایی اثر هنری تاثیر مثبت دارد. به عنوان مثال دانش آموزی در حین نقاشی متوجه می شود یک بخش از اثری که تولید می کند مورد پسند او نیست، مربی متخصص به کمک او می آید و ضمن ترغیب کودک به ادامه ی کار، پیشنهادهاتی می دهد که می تواند اثر کودک را نجات دهد. مهم است که کودک به این رفتار معلم وابسته نشده بلکه اعتماد به نفس او برای ادامه ی فعالیت افزایش یابد. رفتار معلم در چنین موقعیت هایی سبب می شود کودک به جای فرار از اتفاقات و حوادث و حذف مسایل پیش روی فعالیت های خود، به تلاش بیشتر روی آوری داشته باشد و به حل مسایل خود رغبت نشان دهد. اصطلاح تلنگر زدن یا اشاره کردن شاید مناسب این رفتار معلم باشد. به این معنا که اثر کودک توسط خود او اصلاح می یابد و نقش معلم فقط در حد یک اشاره یا ترغیب سازنده بوده است. مربی اگر خود تجارب هنری نداشته باشد نمی تواند از روش های تلنگر زدن استفاده کند. نمی تواند یک تسهیل گر خوب محسوب شود. مربی باید خود دارای نگاه هنری باشد تا بتواند ارزشمندی اثر هنری کودک را بفهمد و از آن لذت ببرد. دانش مربوط به رشد کودکان برای فهم آثار کودکان کافی نیست. حداقل پیشنهاد این است که مربی بعد از طراحی فعالیت و قبل از اجرای آن در کلاس، یک بار آن را انجام داده باشد تا چالش های پیش روی دانش آموزان را از قبل شناسایی کند. در چنین صورتی است که کودکان و مربی هنر همدیگر را می فهمند، ارزش فعالیت یکدیگر را باور می کنند و فضای آموزش هنر، موثر تر عمل می کند. آنچه در فعالیت هنر برای مربی مهم تر به نظر می آید، فرآیند انجام فعالیت توسط کودکان است نه محصول نهایی آنها. در این فرصت است که مربی می تواند رفتارهای کودکان را تحت نظارت دقیق داشته باشد و آنها را به درستی ارزیابی کند. در این فرصت است که کودکان دست به تجارب تازه می زنند یا ریسک می کنند، به کشفیات تازه ای دست پیدا می کنند و شادمانی خود را بروز می دهند.

❖ پرهیز از دخالت گری در تولید اثر توسط کودک

مربی برای دست یابی به نتایج بهتر اجازه ندارد به دخالت در کار کودک اقدام کند. از راه های متفاوت می شود در تولید اثر توسط کودک دخالت کرد. از جمله تقویت برخی آثار و الگو قرار دادن برخی آثار، ایجاد فضای رقابتی در بین بچه ها با مضامینی شبیه به این که ببینم چه کسی کامل تر از بقیه کار می کند یا می خواهیم ببینیم چه کسی بهتر از شیوه ی معرفی شده استفاده می کند، ایراد گرفتن از کار دانش آموز از جمله موارد دخالت گری است. این مسئله با اشاره کردن یا تلنگر زدن خیلی متفاوت است. در دخالت گری، نتیجه اثر نمی تواند معرف ادراکات و توانمندی های کودک باشد. در حالی که در اشاره کردن و تلنگر زدن ضمن این که کودک واقعا هم چنان اختیار عمل را در خود احساس می کند، با فهم و درک مطلب، به اعمال تغییر اقدام می ورزد.

اجازه دهید تا کودک انتخاب کند موضوعی را که برای کار هنری به او ارایه کرده اید، چگونه اجرا کند. یا شیوه ای را که تجربه اندوزی به کودک معرفی می کنید برای چه موضوعی به کار ببرد. کودک اجازه دارد تا موضوع ارایه شده را با زاویه ی نگاه خود اجرا کند. اجازه دارد تا موضوع ارایه شده را تغییر دهد حتی قالبی را که معرفی می شود تغییر دهد.

❖ احترام و محبت بی قید و شرط و عادلانه به کودکان

کودکان در هر صورت، چه از فعالیت های ارایه شده استقبال کنند و چه اعتنایی به آن نداشته باشند، باید مورد احترام بی قید و شرط معلم قرار بگیرند. شخصیت کودکان هرگز نباید مورد تهدید قرار بگیرد زیرا در غیر این صورت ایمنی محیط آموزشی به خطر می افتد. علاقه یا عدم علاقه به انجام فعالیت های هنری ارتباطی با انسانیت کودک ندارد. از این حیث کودکان همواره مورد احترام مدرسه و

معلمان خود خواهند بود. پرخاش نکردن، توییح نکردن، به مقایسه نکشیدن بچه ها، تهدید نکردن و دخالت نکردن در روند آموزشی کودکان همه به این معنا هستند که همه ی این برنامه ها و تلاش ها برای رشد او و لذت بیشتر او از زندگی فراهم شده است. نیاز به توجه برای یادگیری یک نیاز طبیعی و ضروری است. کودک باید بداند فعالیتی که انجام می دهد یا ایده ای که ارائه می دهد از نظر مربیان مهم و ارزشمند هستند. ارائه بازخوردهای مؤثر و به موقع جهت بهبود روند فعالیت می تواند از جمله رفتارهایی باشد که مربی برای توجه به کودک انجام می دهد. برپایی نمایشگاه از آثار کودکان، ارائه ی پیشنهاد بهبود برای کار، نگاه چشم به چشم با کودک، همگی می تواند به نوعی توجه و اعتنای به کار و فعالیت کودک محسوب شود.

ج ۲) مربی هنر یک یادگیرنده دایمی است.

مربی هنر دانای کل نیست و در جریان فعالیت هنری دانش آموزان خود در حال یادگیری و تجربه اندوزی است. مربی هنر خود در حال شکل گیری و شدن است. هر کودکی متفاوت از دیگر کودکان به دنیا نگاه می کند و نگاه خود را در کار هنری خود می آورد. ادراک هر کودک با سایر کودکان متفاوت است و نتیجه ی آن بیان متفاوت آثاری است که در کلاس هنر تولید می شود. از این حیث هر کودک فرصت یادگیری برای مربی است. مربی فرصت های فراوانی دارد تا اندیشه های کودکان و احساسات رنگارنگ آن ها را ببیند و از تجارب مختلف بچه ها در حل متفاوت مسایل و در بیان هنری، تجربه اندوزی کند.

د) باور در مورد سند آموزش هنر

د ۱) این سند پویا است.

این سند تفاهمی برای آغاز کار هنری مربیان هنر و معلمان بزرگوار است. دفتر سند برای همیشه باز است. پیوست های ۶ مربوط به فهرست ایده های آموزشی و شیوه های کار هنری در هنرهای تجسمی و نمایشی است که می توانند توسط مربیان بزرگوار و هنرمندان فن تکمیل تر شده در اختیار استفاده ی سایر مربیان برای آموزش هنر قرار بگیرد.

یافته های جدید در آموزش هنر

جهت مطالعه ی بیشتر مربیان علاقمند، این بخش به طور مجزا و مفصل تر در پیوست ۹ سند تقدیم حضور می گردد.

تاثیر هنر بر رشد همه جانبه ی کودکان

- هنر برای دانش آموزان غیر از منفعت های درونی (رشد خلاقیت و تخیل، تجربه ی لذت بخش، زیبایی و شگفتی) منافع بیرونی نیز دربر دارد. تحقیقات نشان داده که آموزش هنر باعث ارتقای سطح یادگیری در بقیه ی دروس می شود. اعتماد به نفس، مهارت های اجتماعی و مهارت های فراشناختی کودکان را تقویت می کند.^۹ کودکان می توانند درباره ی هنر^{۱۰} یا از

⁹ Arts education for the development of the whole child, Dr. Rena Upitit, Queen's university, Kingston, Ontario, June 2011, page 15

¹⁰ Learning about the arts

طریق هنر^{۱۱} (هنر وسیله ای برای یادگیری سایر دروس) و یا در هنر^{۱۲} (از طریق تجارب هنری سایر دروس را فراگیرند) آموزش ببینند.

- در پژوهشی (۱۹۹۶) در جورجیا بر روی بیش از ۶۰۰ هزار دانش آموز نیز نشان می دهد مدارسی که درس هنر در آن ها در اولویت بوده اند بچه ها نمرات بالاتری را کسب کرده اند و احتمال بالاتری داشته که تحصیلات خود را به پایان برسانند.^{۱۳}
- در اتریش و سوئیس تاثیر کلاس های موسیقی بر روی ارتقای زبان و ریاضی بچه ها مورد بررسی قرار گرفته و پس از سه سال بچه هایی که در هفته ۵ (مرتبه) کلاس موسیقی داشته اند نسبت به دانش آموزانی که کمتر کلاس موسیقی داشته اند در زبان پیشرفت بهتری داشته اند. اما در ریاضی با آن ها تفاوتی نداشته اند. نکته ی مهم در این بررسی این است که ساعاتی را کودکان در این ۵ ساعت به موسیقی گذرانده اند از ساعات سایر دروس بوده است و در عین حال در ریاضی افتی نشان نداده اند.^{۱۴} در کل این تحقیقات نشان می دهد که افزایش میزان کار هنری بر ارتقای سطح تحصیلی کودکان زمانی اتفاق می افتد که دانش آموزان تجارب گسترده ی هنری داشته باشند.^{۱۵}
- در برکلی ایالت کالیفرنیا^{۱۶} (۲۰۰۳) برنامه ی رقص را برای ارتقای مهارت خواندن در زمینه هایی مانند تقسیم بندی واژگان (سیلاب شناسی) به مدت ۲۰ جلسه برای دانش آموزان کلاس اول برگزار کردند. دانش آموزانی که در این برنامه ی شرکت داشته اند به طور معناداری مهارت خواندن آن ها بهتر از سایرین بوده است. زیرا رقص کمک می کند تا بچه ها برای ایده هایی که در ذهن دارند یک شکل (فرم) خاص بسازند و آن را در ذهن خود ذخیره کنند. این پژوهش پیشنهاد می دهد که این برنامه بر روی سایر سنین هم می تواند باعث ارتقای حافظه و درک مطلب بچه ها شود.^{۱۷} تاثیر یادگیری هنر بر روی بقیه ی دروس را اصطلاحاً در روانشناسی انتقال یادگیری می نامند.^{۱۸}
- اهمیت دادن این گونه به هنر که هنر می تواند تاثیر مثبت بر سایر دروس بگذارد می تواند یک تاثیر خطرناک داشته باشد. می تواند بر روی انگیزه ی دانش آموزان هم تاثیر بگذارد. یعنی دانش آموزان چون بقیه افراد حس مثبت به هنر می کنند، به هنر گرایش پیدا کنند. به هنرهای تصویری و موسیقی اهمیت داده شود نه به خاطر لذت درونی آن بلکه به این علت که می تواند بر روی مهارت های خوانداری اثر مثبت داشته باشد. نمایش مهم است چون مهارت های کلامی دانش آموزان را افزایش می دهد.^{۱۹}

¹¹ Learning through the arts

¹² Learning in the arts

¹³ Arts education for the development of the whole child, Dr. Rena Upitis, Queen's university, Kingston, Ontario, June 2011, page 16

¹⁴ Arts education for the development of the whole child, Dr. Rena Upitis, Queen's university, Kingston, Ontario, June 2011, page 16

¹⁵ Arts education for the development of the whole child, Dr. Rena Upitis, Queen's university, Kingston, Ontario, June 2011, page 17

¹⁶ Berkeley, California

¹⁷ Arts education for the development of the whole child, Dr. Rena Upitis, Queen's university, Kingston, Ontario, June 2011, page 17

¹⁸ learning transfer.

¹⁹ Arts education for the development of the whole child, Dr. Rena Upitis, Queen's university, Kingston, Ontario, June 2011, page 17

چرخه ی رشد تجارب هنری^{۲۰}:

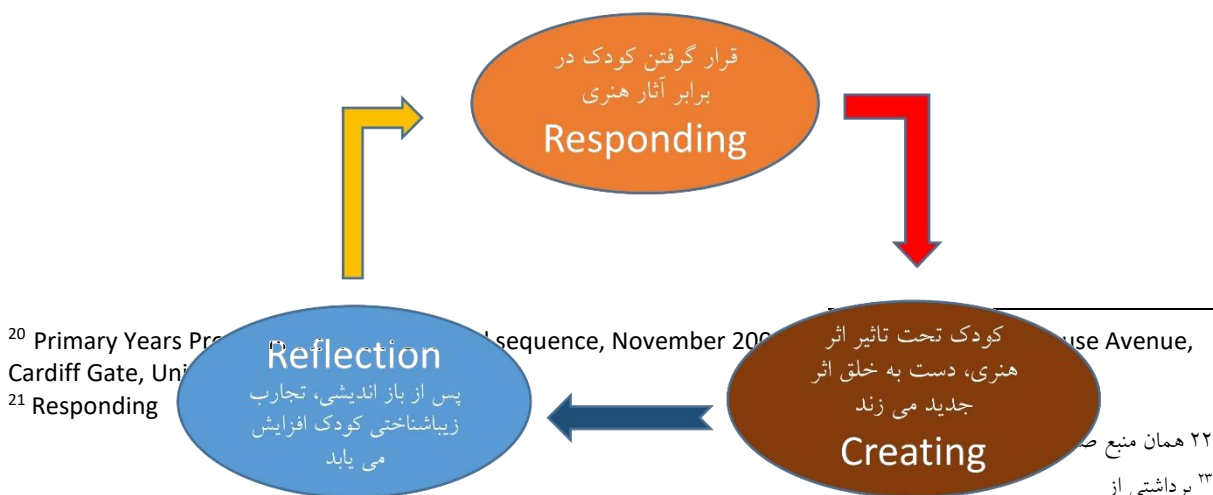
هنر دانش آموزان را در یک فرآیند خلاقانه ای قرار می دهد که از طریق آن درگیر یک چرخه ی مداومی از عمل و بازاندیشی آن عمل می شوند.

الف (پاسخ و عکس العمل^{۲۱}: این فرآیند این فرصت را به یادگیرندگان می دهد تا نسبت به کارهای هنری خودشان و سایر هنرمندان عکس العمل نشان دهند و از این طریق مهارت های تحلیل انتقادی، درک معنا، ارزیابی، بازاندیشی و برقراری ارتباطشان را تقویت کنند. دانش آموزان تولیدات خود و سایر هنرمندان را در زمینه ها و دیدگاه های مختلف در نظر می گیرند تا مفهوم و آثار و فرآیندهای آینده خود را بسازند. دانش آموزان فرا میگیرند تا بی تفاوت نباشند، بلکه فعال بوده و نسبت به اتفاقات پیرامون خود حساسیت نشان دهند.

ب (تولید: فرآیند تولید (خلق) دانش آموزان را مجهز می کند تا بتوانند ارتباطات متفاوتی با معنا برقرار کنند، مهارت های فنی خود را توسعه دهند، ریسک تولید و نوآوری را بپذیرند، مشکلات را حل کنند و عواقب را تجسم کنند. دانش آموزان تشویق می شوند تا تخیل، تجارب و دانش مواد و فرآیندها را به عنوان نقطه شروع برای اکتشاف خلاق به کار گیرند^{۲۲}.

رشته های پاسخ دهی و تولید به صورت پویا در یک رابطه مستمر و انعطاف پذیر ارتباط دارند. در تقویت ارتباط نزدیک بین این دو فرآیند دانش آموزان تشویق می شوند که در طول فرآیند تولید، به طور پیوسته بر کار خود بازتاب دهند. برنامه ی آموزشی به دانش آموز برانگیخته شده در رویاروی با یک اثر هنری، کمک می کند تا پاسخ مناسب بدهد. این پاسخ می تواند از جنس نقد باشد یا از جنس تولید یک اثر توسط کودک.

ج) بازاندیشی: برنامه ی آموزشی به کودکان کمک می کند تا از طریق بازاندیشی نسبت به نحوه ی کار خود، تولیدی که انجام می دهد یا فعالیت هنری که از انجام آن لذت می برد، نگاه تازه ای پیدا کند که در نتیجه ی آن دانش هنری او را افزایش می دهد. هنر خود یک فرآیند بازاندیشی به فکر و عمل کودک نسبت به پدیده ها است. هنر می تواند یک فعالیت بازاندیشی موثر برای درک بهتر مفاهیم در سایر حوزه ها باشد. در این جا بازاندیشی اگر چه در درون کودک و همراه با تولید یا کار هنری کودک اتفاق می افتد اما مربی می تواند این بازاندیشی را ظهور بیشتری دهد و از کودک بخواهد شیوه ی کار خود را شرح دهد. احساسی را که به سبب آن اثری را خلق کرده بازگو کند. به کاری که انجام داده دوباره نگاه کند و ابعاد آن را دوباره بررسی کند. این کودک با تجربه ی جدیدی که پس از طی فرآیند پاسخ و تولید و بازاندیشی نسبت به این دو کسب کرده اکنون در رویارویی با آثار دیگر هنری متفاوت عمل خواهد کرد^{۲۳}. چرخه ی زیر ارتباط فزاینده ی این دو رشته را نشان می دهد.



Primary Years Programme; Arts scope and sequence, November 2009, Peterson House, Malthouse Avenue, Cardiff Gate, United Kingdom

اهداف

الف (اهداف کلی

هدف کلی تربیت هنری در مدارس مفید، رشد شخصیت و تلطیف عواطف، رشد اخلاقی و رشد خلاقیت، رسیدن به کمال انسانیت از طریق تربیت هنری است.. منظور از تربیت هنری تربیت هنرمند نیست بلکه تربیت به رنگ هنر است. رشد شخصیت از طریق:

- تقویت اعتماد به نفس که از راه تولید و بروز خلاقیت حاصل می شود.
- روبه رو شدن کودک با خود و با جهان پیرامون
- توانمندی حل مسایل
- نگاه همه جانبه به زندگی و مسایل آن
- توانایی همدلی و فهم دیگران
- هماهنگی و تعادل عاطفی، جسمی و ذهنی
- توانایی بیان گری
- کسب نگاه نقادانه و پرسش گرانه و جست و جو گرانه

ب (اهداف میانی

اهدافی هستند که مریبان از بین آن ها انتخاب کرده و فعالیتهای خود را بر اساس آن طراحی می کنند. این اهداف عبارتند از:

هدف دریافتی:

- رشد حواس و ادراکات زیبایی شناختی

هدف کنشی

- نقد هنری و بیان نظرات: معناسازی هنری و فهم هنری، مشارکت در تولید و بلکه تولید و خلق دوباره اثر هنری. منظور از نقد هنری یک فعالیت شناختی برای قضاوت خوب و بد و ضعف و قوت کار هنری نیست.

هدف واکنشی:

- بیان احساس و عواطف، افکار و عقاید، آمال و آرزوها (ابراز خود)

اهداف تولیدی:

- بروز خلاقیت (توانایی ترکیب، تغییر، تولید و حل مسئله)
- کسب تکنیک ها و تمرین مهارت های لازم برای بیان هنری

اهداف موضوعی و اهداف تفصیلی وجود ندارد و این اهداف برای تمام پایه های تحصیلی دوره ی ابتدایی با رعایت تناسب سنی در طراحی فعالیت، قابل اجرا است.

جدول مقایسه ی اهداف درس هنر در اسناد مختلف

در این جدول سعی شده تا نقاط اشتراک و افتراق اهداف آمده در سه سند (طرح الگوی مطلوب برنامه ی درسی هنر برای دوره ی ابتدایی ایران^{۲۴}، راهنمای معلم درس هنر^{۲۵} و اهداف سند هنر مجتمع آموزشی مفید) دیده شوند. این مقایسه نمی تواند دقیق باشد اما شاید بتواند نگاه جامع تری به موضوع اهداف درسی هنر ارائه دهد.

سند هنر مجتمع آموزشی مفید	کتاب هنر دوره ی ابتدایی اهداف تفصیلی	طرح الگوی مطلوب برنامه ی درسی هنر برای دوره ی ابتدایی ایران
رشد حواس و ادراکات زیبایی شناختی (توانایی دریافت معنا، مفاهیم و زیبایی ها)	پرورش روحیه زیبایی شناختی	پرورش حس زیباشناسانه
بروز خلاقیت (توانایی ترکیب، تغییر، تولید و حل مسئله)	توانایی تولید محصول هنری	پرورش حس جست و جو گری و خلاقیت
	آشنایی با میراث فرهنگی	آشنایی با تاریخ هنر ایران، جهان و قدردانی از میراث فرهنگی خود
بیان احساس و عواطف، افکار و عقاید، آمال و آرزوها (ابراز خود)		ارزش نهادن به بیان هنری در سراسر زندگی (به درک هنری برای یادگیری مادام العمر دست یابند).
فعال شدن کودک برای توسعه ی توانمندی های طبیعی، کسب تکنیک ها و تمرین مهارت های لازم برای بیان خلاق		توانمند ساختن دانش آموزان برای اظهار خود از طریق گونه های هنری متنوع
نقد هنری و بیان نظرات: معنا سازی هنری و فهم هنری	توانایی نقد هنری	توانمند ساختن دانش آموزان برای تفسیر و قضاوت ارزشی آثار و دستاوردهای متنوع هنری خویش و دیگران
	توانایی ارتباط با خلقت	

^{۲۴} فصل هیجدهم، کتاب برنامه ی درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش، محمود مهرمحمدی و مرجان کیان، نشر سمت، چاپ دوم ۱۳۹۴

^{۲۵} راهنمای تدریس هنر، دوره ی اول ابتدایی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۱

راهنمایی برای طراحی فعالیت های هنری در مدل آموزشی مفید

پس از طراحی جدول محتوای آموزش هنر برای یک سال تحصیلی (که پیشنهاد می شود در فرم Excel انجام شود) برای هر یک از قالب های هنری (پیوست ۱۱) هر یک از سلول های محتوایی از جدول محتوایی (آمده در فایل Excel) باید بر روی فرم طراحی فعالیت بسط پیدا می کند تا از جهت مراحل اجرا در کارگاه هنر برای شخص طراح فعالیت و سایر مربیان قابل فهم باشد. به این صورت جداول محتوای آموزش هنر برای یک سال تحصیلی آمده در پیوست ۱۱ ارتباط فعالیت های هنری و سیر منطقی آن ها را در طول یک سال تحصیلی نشان می دهند و فرم طراحی فعالیت (پیوست ۱) گام های اجرایی یک فعالیت و نکات مورد تاکید طراح را تبیین می کند.

فرم طراحی فعالیت هنری

در بخش بالای صفحه (Header) فرم طراحی فعالیت (پیوست ۱) باید عنوان فعالیت نوشته شود. این به این منظور است که اگر فرم طراحی فعالیت ۲ صفحه یا بیشتر شد، ارتباط بین صفحات حفظ شود.

در بخش اصلی فرم طراحی فعالیت، عنوان فعالیت مجدد نوشته می شود. عنوان فعالیت ممکن است مربوط باشد به یک موضوع داستانی، توصیف یک شعر یا یک جمله و یا مربوط باشد به یک ابزار (کار با سنباده، کار با آب رنگ، زبان بدن، ...) یا یک شیوه ی انجام فعالیت (مثل خراش روی مداد شمعی، خیس در خیس، نمایش رو حوضی،...).

قسمت قالب مربوط است به انتخاب نوع کار: نقاشی، حجم سازی، هنر نصب، نمایش خلاق، تئاتر، ... گاهی هم ممکن است یکی از صورت های هنر تجسمی مثل نقاشی، با نمایش به صورت تلفیقی ارایه شوند.

اطلاعات دیگر جدول شناسنامه ی طرح فعالیت باید تکمیل شود: طراح از کدام مدرسه است. نام طراح یا طراحان این فعالیت کیست. مربوط به چه پایه یا پایه هایی می شود (تناسب سنی این فعالیت) و چه زمانی را برای اجرا توصیه می کنید.

بخش بعدی مربوط است به نگارش اهداف. در بخش اهداف، برای تسهیل کار طراح تمامی اهداف آموزشی هنر نوشته شده است. در قسمت شرح هدف مربوط به آن فعالیت، مربی می نویسد چه بخشی از فعالیت، بر روی آن هدف تمرکز شده است. مثلا در پیدا کردن شکل از میان خطوط درهم، در قسمت شرح هدف بروز خلاقیت می نویسد حل مسئله یا پیدا کردن شکل یا شکل هایی از میان خطوط به هم ریخته

مهارت های فراموضوعی می توانند در این جا، به عنوان بخش اهداف نوشته شوند. به عنوان نمونه در مثال پیدا کردن شکل یا اشکال از میان خطوط به هم ریخته، می توان ترکیب و تلفیق را منظور کرد و در شرح آن نوشت دانش آموزان باید شکل ها را در میان خطوط به هم ریخته پیدا کنند و با همان خطوط آن شکل را بسازند (ساختن). البته طبیعی است که یک تک فعالیت ممکن است نتواند هدفی را از این بخش حمل کند.

در قسمت **خلاصه فعالیت کل** و مراحل اصلی آن به گونه ای نوشته می شود که مربی در یک نگاه بتواند کلیت کار را در ذهن خود شکل دهد. این کار از این جهت که شباهت دید از زاویه ی بالا است، کمک می کند تا مجری طرح، مراحل فعالیت را بهتر به هم وصل کند و طرح یک پارچه ای را ببیند.

در بخش **ملزومات** مواد و ابزار های مورد نیاز نوشته می شود. ابزار کار کودک پیچیده نیست. ابزار ساده و در دسترس این پیام را برای کودک دارد که در خلق و تولید اثر هنری، ابزار در خدمت هنرمند است. کودک در بسیاری از شرایط زیستی خود می تواند اقدام به تولید هنر کند. به کارگیری ابزارهای پیچیده، دشوار، گران قیمت باعث نگرانی و ورود مربی به جریان آزاد خلق اثر هنری می شود و قدرت انتخاب و اختیار و تفکر و احساس را از کودک می گیرد. منظور از ساده بودن و در دسترس بودن و ارزان بودن به هیچ عنوان بی کیفیتی نیست. کیفیت ابزار باعث می شود کودک در انجام کار خود احساس موفقیت کند. ابزار بی کیفیت اعتماد به نفس کودک را از او می گیرد. استفاده ی آسان و روان، نتیجه ی قابل قبول و سریع می تواند از معیارهای انتخاب ابزار مناسب باشد. مثلاً در نقاشی، استفاده توسط کودک آسان و راحت باشد، به سرعت اثرگذاری کند، اثرگذاری آن شفاف و درخشان باشد و نتیجه ی آن خوش رنگ باشد. از این حیث مداد رنگی نمی تواند ابزار مناسبی برای کودکان پیش دبستانی و حتی دوره های اول و دوم ابتدایی به عنوان ابزار اصلی باشد. از مداد رنگی می توان به عنوان ابزار مکمل و در کنار ابزارهای دیگر بهره گرفت. ابعاد سطحی که در اختیار کودک برای ترسیم نقاشی قرار می گیرد نباید کوچک باشد زیرا در این صورت کودک قادر به بیان گری از طریق نقاشی نخواهد بود. سایز مناسب برای انجام نقاشی کودکان دوره دوم ابتدایی حداقل **A4** و برای کودکان کوچک تر **A3** است.

در بخش **منابع و پیوست ها**، تمامی منابع مورد نیاز شامل انواع کتب، فیلم و تصاویر بعلاوه ی بازدید از یک موزه یا گالری و نمایشگاه، گردش در طبیعت با ذکر نام نوشته می شود. ارایه ی کارهای ضعیف ممکن است اثرات نامطلوبی در نگاه زیباشناختی دانش آموزان داشته باشد. دانش آموزان به توسعه ی ذهنی در قبال نمونه ی آثار ارزشمند جهانی نیاز دارند. ترجیحاً در ارایه ی خوراکی های بصری، الگوهای نمایشی به یک نمونه بسنده نکنید. ارایه ی یک نمونه کار امکان بستن ذهن کودکان و پیروی از الگوی ارایه شده را افزایش می دهد. برای ارایه ی الگوهای بصری تنوع و تعدد کمک کننده هستند. این تعدد و تنوع نه تنها به ذهن کودک قالبی را تحمیل نمی کند بلکه باعث ایجاد طرح های نو در ذهن او خواهد شد.

در بخش شرح فعالیت، فعالیها به ترتیب گام نوشته خواهند شد. فعالیت اول ممکن است فعالیت درگیری یا مقدمه باشد. فعالیت **درگیری**^{۲۶} (مقدمه) فعالیتی فعالیتی است که کودکان را با اصل فعالیت درگیر می کند. این بخش به دانش آموزان کمک می کند تا تجارب قبلی خود را بازیابی کرده یا سوالی برایشان پیش می آید، آن ها را با هدف فعالیت آشنا می کند، ذهن، فکر و احساس خود را آماده پذیرش موضوع می کند. در این بخش ممکن است نمایش فیلم یا بیان یک قصه اتفاق بیافتد. اصطلاحاً در سند به این گونه فعالیت ها، فعالیت های آماده سازی یا درگیری گفته می شود. فعالیت هایی نظیر بحث و گفت و گو، گردش علمی، تماشای فیلم، خواندن قصه، دیدن تصاویر واقعی، آشنایی با ابزار و تکنیک های اجرایی، ارایه ی نمونه کار ... می تواند به عنوان فعالیت های آماده سازی در نظر گرفته شود.

در یک طرح فعالیت ممکن است لزومی به طراحی فعالیت درگیری نباشد. در این صورت فعالیت اول در همان بخش درگیری نوشته خواهد شد.

نگارش فعالیت ها با رعایت معیارهای آموزشی به شکلی است که افکار و احساسات کودک را به تحرک وادار می دارد. تخیل او را درگیر می کند، دانش آموزان را به جست و جو وادار می دارد. دانش آموزان در این بخش با دستورالعمل اصلی برای فعالیت هنری که معمولاً به صورت جملات امری نوشته می شوند، روبه رو می شوند. این دستورالعمل ها مشخص می کند وظایف هر فرد یا گروه در هر گام چیست. دستورالعمل هایی که تعیین می کند کودک باید روی چه موضوعی و چگونه تمرکز کند. اگر یک فعالیت در چند گام اجرا می شود باید توجه داشته باشیم که کودک از همان ابتدا باید مسیر نهایی را بداند تا آگاهانه اقدام به انجام فعالیت کند. از غافلگیر کردن کودکان پرهیز کنید. کلاس هنر باید به کودک کمک کند تا برنامه ریزی را بیاموزد. فعالیت باید به گونه ای طراحی شود که بچه ها فعال باشند. در کلاس هنر تا جایی که ممکن است تماشاچی نخواهیم داشت. تماشاچی شدن بیش از دو یا سه دقیقه می تواند کودکان را بی انگیزه کند، حوصله ی آن ها را سر ببرد و حضور ادراکی آن ها را در جریان کلاس از ایشان بگیرد. در ستون اول بخش شرح فعالیت مدت زمان پیش بینی شده برای انجام هر گام به دقیقه نوشته می شود. در ستون بعدی تعیین می شود فعالیت انفرادی اجرا می شود یا گروهی. انجام فعالیت های فردی بسیار مهم هستند. اما به همان میزان نیز فعالیت های جمعی آموزنده اند. در جلسات متعدد هنر شایسته است که فقط به مهارت های فردی کودکان نپردازیم و بچه ها را به فعالیت های گروهی نیز تشویق کنیم. با این کار بچه ها به اهدافی چون حس همکاری گروهی، احترام متقابل به حقوق یکدیگر و تبادل نظر با دیگران دست می یابند.

فعالیت های طراحی شده علاوه بر ارزشمندی آموزشی باید جذاب نیز باشند. تغییر و تنوع منطقی در انتخاب شیوه ی اجرای کار، انتخاب فضای متناسب برای اجرای کار، ارایه ی تکنیک و مواد مناسب، پرهیز از آموزش مستقیم و استفاده از شیوه های فعال و خودیادگیرنده از عوامل جذب کودک به فعالیت و عامل پایداری او در کار هنری است.

ستون مقابل فعالیت ها مربوط است به **موقعیت بازانديشی، خودارزيابی یا ارزیابی هم سالان**، زمانی که یک طرح برای این قسمت فعالیتی را طراحی کرده است، این ستون تیک (✓) یا (*) می خورد. در بازانديشی است که کودک به کاری که انجام داده است، آگاهی پیدا می کند و فعالیت خود را به نقد می برد و زیباشناختی را در خود آگاهانه می کند. گاه لازم است کودکان دست از کار کشیده و از عقب کار خود را تماشاگر باشند. خود را جای مخاطب قرار داده و آن را ارزیابی کنند. از دوستان خود نظر بگیرند و سپس به فعالیت خود ادامه دهند. خوب است از کودکان خواسته شود تا آثار خود (خصوصاً آثار تجسمی) را در پایان جلسه در معرض دید دیگران قرار دهند. این عمل سبب می شود تا کودکان با افکار و عواطف سایر کودکان آشنا شده و در نحوه انتخاب موضوع، زاویه نگاه و نحوه کار هنری از آنان ایده بگیرند و به تجارب تازه ای دست یابند. مربی باید مراقب باشد تا تمامی آثار کودکان به نمایش گذاشته شود و از انتخاب و مقایسه آن ها پرهیز کند. زیرا کودکان نه تنها علت این انتخاب را نمی فهمند بلکه ممکن است اعتماد خود را برای انجام فعالیت های بعدی از دست بدهند.

بخش فعالیت تکمیلی برای طراحی فعالیت یا فعالیت هایی است که به منظور تکمیل فعالیت اصلی (عمیق تر کردن تجربه، گسترش مفهوم) و برای احتیاط (در صورتی که وقت اضافه آمده باشد) طراحی می شود. یادآوری می شود فعالیت برای این قسمت نوشته می شود که از نظر معنا با فعالیت اصلی ارتباط دارد و ممکن است فقط از نظر شکل با فعالیت اصلی تفاوت داشته باشد. طراحی فعالیت تکمیلی به گونه ای است که کودک رغبت به انجام آن را دارد، احساس تکرار نمی کند و نیازی به فعالیت درگیری یا مقدمه ی خاصی ندارد زیرا ممکن است دانش آموزان جدا جدا به این مرحله برسند. فعالیت تکمیلی می بایست به کار قبلی کودک عمق بیشتری داده و تجربه ای تازه به دنبال داشته باشد.

بخش بازاندیشی معلم پس از اجرای فعالیت پر خواهد شد تا مربی آگاهانه تر نسبت به کم و کیف دست یابی به هدف، نظر خود را بیان کند.

راهنمایی برای ارزشیابی فعالیت های هنری در مدل آموزشی مفید

الف) ارزشیابی

ارزشیابی دانش آموز از نوع کیفی بوده و بر اساس فهم او از کار انجام می گیرد.

الف ۱) شیوه ی ارزشیابی

- بر اساس مشاهده ی دقیق فراگیران در حین انجام فعالیت، در روش کار، مراحل کار، نحوه ی برخورد با مسایل و مشکلات کار و روش پرسش گری او با همسالان و همکاری او در گروه ها انجام می شود.
- مصاحبه و گفت و گوی فردی با تک تک دانش آموزان برای اطلاع از علایق کودک، فرآیند تفکر و روش حل مسئله توسط کودک. همچنین باز اندیشی از طریق نگارش (مثل مقاله نویسی) درباره ی فعالیت هایی که انجام داده است.
- مشاهده ی نحوه ی شرکت دانش آموزان در مباحثه ی گروهی از حیث فعال بودن، خلاق بودن، صاحب نظر یا پیرو بودن
- ارزشیابی از طریق طراحی فعالیت های ترکیبی برای کلاس هنر به گونه ای که کودکان را به ایده پردازی و عمل خلاقانه وا دارد. (کودکان یافته ها و تجارب قبلی خود در کلاس هنر را در یک واحد کل، بازنمایی و ترکیب می کنند. در این جا اجزا مهم نیستند بلکه عمل به کل، معیار ارزشیابی است). آموزش های متعدد از شیوه ی رنگ آمیزی را یک بار در یک فعالیت با هم ترکیب می کند. این نشان دهنده ی فراگیری روش های رنگ آمیزی قبلی است. از این جهت اجزا (شیوه های مجزا) ارزشیابی نمی شود زیرا یادگیری خود شیوه، هدف درسی نیست بلکه یادگیری استفاده از آن ها برای بیان افکار و احساسات مد نظر سند است.

- رصد شناسایی بصری و گفت و گوی انتقادی درباره ی آن چه قبلا تجربه کرده اند. در مواجهه با تصاویر، بازدید از موزه ها و دیدن نمایش ها

ارزشیابی از برنامه و فرآیندها: به شکل زیر انجام می شود:

بررسی طرح فعالیت های مربیان از حیث انطباق با معیار آموزش و ارزشمند بودن آن از طریق میزان رعایت معیارهای ارزشمندی (فرم بررسی تولید طرح فعالیت هنر- پیوست ۷)

پایش^{۲۷} کلاس در مورد روش اجرای فعالیت توسط مربی و مشاهده ی میزان درگیری دانش آموزان با فعالیت (فرم پایش اجرای کارگاه های آموزشی هنر- پیوست ۸)

ب) شیوه ی اطلاع رسانی به اولیا

اطلاع رسانی مکتوب و شامل بیان اهداف آموزشی، چکیده ی فعالیت اجرا شده در کلاس و عملکرد کودک در قالب توصیف یا کارپوشه است.

اطلاع رسانی فعالیت های هنری کودک به اولیا:

اهداف فعالیت	خلاصه ی فعالیت	عملکرد کودک به شکل توصیف توسط مربی، کارپوشه یا تصاویر از اجرا

معلمین برای تسهیل در کار گزارش دهی می توانند، گزارشات خود را بر اساس مشاهدات روزانه ، در پایان هر ترم به صورت مکتوب ارائه دهند.

موضوع سند در خارج از کلاس هنر

غیر از کلاس های هنری، هنر می تواند به سایر حوزه ها برای فهم بهتر و عمیق تر دروس کمک کند. قبلا گفته شد برای عبور از یک مرحله به مرحله ی دیگر یادگیری در یک موضوع، به جای تاکید بر دانسته های قبلی و دانش پیشین کودک، باید او را ترغیب به تصور و تخیل نسبت به آن کرد. این نظریه می تواند در نگاه قبلی آموزش، که دانش پیشین کودک را تکیه گاه یادگیری بعدی او معرفی می کند، تردید ایجاد کند. (مهر محمدی ۱۳۹۳)^{۲۸} از طرف دیگر در باورهای زیر بنایی که از سوی مجتمع آموزشی مفید معرفی شده، انسان به

²⁷ Observe

²⁸ رویکردهای تربیت هنری، کتاب برنامه ی درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش، محمود مهرمحمدی و مرجان کیان، نشر سمت، چاپ دوم

مثابه ی یک کل یکپارچه متشکل از ذهن، بدن و روان دیده شده است. هنر یکی از بهترین فرصت ها است تا کودک را از حیث عواطف، درگیر مفهوم درسی کند.

غیر از کلاس های هنری، هنر می تواند به سایر حوزه ها برای فهم بهتر و عمیق تر دروس کمک کند.

هنر به غیر از هدف هنری می تواند به دو صورت در مدرسه به کار گرفته شود:

هنر به عنوان بستری برای تلفیق دروس (هنر به عنوان یک تم) (پیوست ۵ تلفیق اجتماعی و هنر)

هنر به عنوان بستری برای آموزش برخی مفاهیم در طرح های یادگیری

تمامی معیارهای تولید فعالیت هنری باید در طراحی فعالیت هنری جهت طراحی تم های آموزشی یا برای کمک به سایر دروس رعایت شود. لذا استفاده از قالب های هنری بدون در نظر گرفتن معیار های تعریف و آموزش، نمی تواند هنر تلقی شود.

فعالیت های هنری می توانند در خارج از زمان و مکان کلاس یا کارگاه هنر به بچه ها ارائه شوند. در این صورت فعالیت های هنری می توانند فرصت های تلقی شوند که کودک نیازهای رشدی خود را از این حیث پاسخ دهد.

طراحی محیطی از حیث زیبایی، امکان فعالیت های آزاد هنری (مثل دیوار گچی یا کارگاه های هنری برای فعالیت های آزاد کودکان)، نصب تابلوهایی از آثار هنری اعصار مختلف، نمایشگاه آثار سایر کودکان می تواند اهداف هنر را به شکل غیر برنامه ریزی شده پوشش دهد. کودکان از این فرصت ها ایده می گیرند، به نقد هنری ترغیب می شوند و آزادانه ایده سازی کرده، تولید می کنند.

مهارت های فرا موضوعی مرتبط با موضوع

در بخش اهداف اشاره شد که مریدان تلاش کنند مهارت های فراموضوعی را در طراحی فعالیت های خود استفاده کنند. در یک بررسی سطحی به نظر می رسد هنر می تواند تمامی مهارت های فرا موضوعی را پوشش دهد. ارزشیابی این مهارت ها مثل ارزشیابی طرح یادگیری سایر دروس به صورت فرآیندی انجام می شود. این اتفاق که مریدان نتوانند از میان فهرست مهارت های فراموضوعی، مهارت یا مهارت هایی را برای یک فعالیت انتخاب کنند، به دلیل آن که فعالیت های هنری ممکن است تک فعالیت باشند یک اتفاق قابل پیش بینی است.

مثال از طرح فعالیت های هنری

به پیوست و برای راهنمایی بهتر مریدان چهار طرح فعالیت هنری (نقاشی، نمایش و حجم سازی با گل) آمده است که می توان آن ها را نمونه ی مناسبی برای کارگاه های هنری برشمرد. (پیوست های ۲، ۳، ۴ و ۵)

- پیوست ۱: فرم طراحی فعالیت هنر
- پیوست ۲: فعالیت تجسمی، نقاشی، بو
- پیوست ۳: فعالیت تجسمی، حجم سازی، سنباده
- پیوست ۴: فعالیت نمایشی
- پیوست ۵: فعالیت تلفیقی، نقاشی و اجتماعی
- پیوست ۶: فهرست فعالیت های هنری
- پیوست ۷: فرم بررسی تولید طرح فعالیت هنری
- پیوست ۸: فرم پایش اجرای کارگاه های آموزش هنر
- پیوست ۹: یافته های جدید در آموزش هنر
- پیوست ۱۰: نسبت محتوای رسمی آموزش و پرورش با محتوای مورد نیاز مجتمع
- پیوست ۱۱: جدول محتوای آموزش هنر برای یک سال تحصیلی